

بسم الله الرحمن الرحيم

Fast Reading (EPT, MSRT, MHLE, ...)

درک مطلب جامع آزمون‌های زبان

تألیف: مهرداد زنگیه‌وندی

سجاد زنگیه‌وندی

انتشارات جنگل

فهرست مطالب

۲۰.....	بخش اول: نکاتی کلی دربارهٔ درک مطلب
۱۱.....	بخش دوم: سؤالات مربوط به مفاهیم و ایده‌های متن
۱۹.....	بخش سوم: سؤالات مربوط به جزئیات صریح متن
۲۸.....	بخش چهارم: سؤالات مربوط به مربع ضمیر
۳۳.....	بخش پنجم: سؤالاتی که پاسخ آنها بطور مستقیم در متن ارائه نشده است
۴۲.....	بخش ششم: سؤالات واژگان
۶۱.....	بخش هفتم: سؤالات کلی از متن
۷۰.....	پاسخ تست‌های پایان هر بخش
۷۱.....	آزمون‌های جامع
۱۰۶.....	پاسخ تشریحی آزمون‌های جامع
۱۵۳.....	واژگان مهم آزمون‌های زبان
۱۷۹.....	منابع

زبان انگلیسی پرکاربردترین زبان دنیاست و با توجه به اینکه این زبان، زبان نشر علم در دانشگاه‌هاست، لزوم یادگیری آن به یک امر مبرهن و حیاتی تبدیل شده است. با علم به اینکه بیش از یک‌سوم سؤالات مطرح شده در آزمون‌های زبان به مبحث درک مطلب مربوط می‌شود، آمادگی مناسب برای این بخش از آزمون، یکی از دغدغه‌های همیشگی شرکت‌کنندگان در آزمون‌های مختلف است. از اینرو، تلاش نمودم تا در پی یافتن پاسخی مناسب به این نیاز برآمده و کتاب حاضر را تألیف نمایم. کتاب‌های متعددی در زمینه درک مطلب و با هدف آماده‌سازی داوطلبان برای شرکت در آزمون‌های زبان به رشته تحریر درآمده‌اند؛ ولی بسیاری از این کتاب‌ها تنها به گنجاندن تست‌ها و سؤالات سنوات گذشته اکتفا کرده و اغلب از آموزش نکات یاری‌رسان در مواجهه با سؤالات فروگذاری نموده‌اند. در این اثر، پس از تجزیه و تحلیل سؤالات ادوار گذشته آزمون‌ها، انواع سؤالات به چند دسته کلی تقسیم شده و نکات و آموزش‌های مفید در مورد چگونگی مواجهه و پاسخ به انواع سؤالات بطور کامل و با ذکر مثال توضیح داده شده است. در تألیف این کتاب از منابع مختلفی استفاده شده و عمده‌ترین منابع، کتاب‌های تافل لانگمن و کتاب TOEFL Reading Flash بوده‌اند که تلاش نمودم تا با تشریح کامل مهارت‌های مطرح شده در دو کتاب فوق و افزودن توضیحات و نکات تکمیلی و آرایه پاسخ تشریحی تست‌ها به زبانی بسیار ساده بتوانم داوطلبان گرامی را در راه رسیدن به هدفشان یاری رسانم.

کتاب حاضر، با هدف آماده‌سازی داوطلبان برای بخش درک مطلب آزمون‌های MSRT، EPT، MHLE و تولیمو نگاشته شده است. این کتاب هم برای مطالعه خودخوان و هم برای تدریس در کلاس توسط مدرس طراحی شده است. مهم‌ترین بخش‌های کتاب جهت آمادگی برای آزمون‌ها به ترتیب عبارتند از بخش‌های ۳، ۲، ۴ و ۱.

قسمت‌های این کتاب

این کتاب از ۷ بخش تشکیل شده که هر یک از آنها بر روی یکی از مهارت‌های لازم برای پاسخ به سؤالات آزمون تمرکز می‌کند و هر بخش بصورت یک درس‌نامه ارائه گردیده است.

قسمت‌های مختلف کتاب به شرح زیر هستند:

۱. **توضیح و آموزش نکات هر بخش به زبان ساده:** در این قسمت سعی شده تا مباحث درسی به زبان ساده توضیح داده شوند.
۲. **در آزمون:** در این قسمت نحوه ارزیابی از مباحث هر درس در آزمون‌های مختلف و چگونگی پاسخ‌دهی به آنها با ذکر نکات ارائه شده است.
۳. **قسمت Sample Test:** در انتهای هر بخش یک آزمون نمونه قرار داده شده که شامل نمونه سؤالاتی است که در آزمون‌ها از مباحث آن بخش مطرح شده است.
۴. **آزمون‌های جامع:** در انتها نیز آزمون‌های جامع شامل ۳۳ متن از آزمون‌ها قرار داده شده است. ترجمه این متن‌ها به همراه پاسخ تشریحی سؤالات این آزمون‌ها ارائه گردیده است.

۵. **واژگان مهم آزمون‌های زبان:** بخش «واژگان مهم آزمون‌های زبان» انتهای کتاب، گزیده کتاب‌هایی چون ۵۰۴ واژه، ۴۰۰ لغت ضروری تافل، Vocabulary for IELTS, Essential Words for the TOEFL، ۱۱۰۰ واژه، واژگان ضروری GRE و Hot Words for the SAT است که با استفاده از روش ابداعی ارایه لغات در کنار مترادف‌های آنها به ترتیب ساده به دشوار، برای شما عزیزان فراهم شده است. در این قسمت، تلفظ IPA «الفبای فونتیک بین‌المللی» لغات و ترجمه فارسی روان آنها ارائه شده است. توصیه می‌شود این لغات را به دقت مطالعه کرده و به ذهن بسپارید. در قسمت مترادف‌ها، ابتدا کلماتی که زیر آنها خط کشیده نشده و سپس کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده را مطالعه کنید، زیرا کلمات به ترتیب ساده به دشوار از چپ به راست مرتب شده‌اند. مترادف‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده عمدتاً مترادف‌های دشوارتر و برگزیده از کتاب‌هایی چون ۱۱۰۰ واژه، واژگان ضروری GRE و SAT هستند که بیشتر برای کسانی که خود را برای کسب نمره بالا از آزمون‌های مختلف آماده می‌کنند، مناسب هستند. بنابراین، مطالعه این لغات را در اولویت دوم خود قرار دهید. با دانستن لغات این بخش از کتاب، می‌توانید یقین داشته باشید که تا بیش از ۸۰ درصد از واژگان مورد نیاز آزمون‌های زبان را فرا گرفته‌اید. همچنین لازم است یادآور شوم که این بخش از کتاب چکیده‌ای از کتاب ما با عنوان **Fast Vocab** واژگان جامع آزمون‌های زبان است که با ویژگی‌های منحصر بفرد و با بهترین کیفیت تقدیم حضور شما علاقمندان شده است.

ارتباط با ما از طریق وبسایت www.FastZaban.com

با مراجعه به سایت تخصصی آزمون‌های زبان (FastZaban.com)، شما عزیزان می‌توانید به نمونه سؤالات آزمون‌های مختلف به همراه پاسخ تشریحی، فایل‌های آموزشی و ... دسترسی پیدا کنید. همچنین، در وبسایت FastZaban.com و کانال FastZaban.com می‌توانید از امکانات دیگری نظیر مشاوره و ارایه برنامه مطالعاتی هدفمند و امکان خرید پستی سری کتاب‌های ما نظیر [Fast Bank \(EPT\)](http://FastBank(EPT))، [Fast Grammar](http://FastGrammar)، [Fast Vocab](http://FastVocab)، [Fast 504](http://Fast504) و ... بهره‌مند شوید.

در پایان، خداوند را سپاس می‌گویم که توفیق تألیف این اثر را به بنده عنایت نمود و امیدوارم با این کار توانسته باشم خدمتی هر چند کوچک به هم‌وطنان گرامی کرده باشم. همچنین، لازم می‌دانم خالصانه از تمامی همکاران گرامی در انتشارات جنگل که با جدیت و دقت در آماده‌سازی و چاپ هر چه شایسته‌تر این اثر به من کمک کردند، تشکر کنم. ضمن آرزوی موفقیت و بهروزی یکایک داوطلبان، دانشجویان و مدرسین گرامی، از شما تقاضا دارم هرگونه پیشنهاد و انتقادی که می‌تواند در جهت بهبود این اثر مفید باشد را از طریق راه‌های ارتباطی زیر با من در میان بگذارید.

www.FastZaban.com

مهرداد زنگیه‌وندی - اردیبهشت ۹۷

e-mail: mehرداد@fastzaban.com

خرید پستی مجموعه کتاب‌های **فست** با تخفیف ویژه و ارسال رایگان به سراسر کشور از:

وبسایت www.FastZaban.com

خرید حضوری در نمایندگی‌های انتشارات جنگل و کتابفروشی‌های معتبر در سراسر کشور

✓ کانال تلگرامی آموزش و مشاوره رایگان استاد **مهرداد زنگیه‌وندی**:

t.me/FastZaban

بخش اول: نکاتی کلی درباره درک مطلب

درک مطلب یکی از مهم‌ترین بخش‌های همهٔ آزمون‌های زبان است. در این بخش از آزمون شما با تعدادی متن مواجه هستید که در انتهای هر متن، از شما سؤالاتی در ارتباط با آن پرسیده می‌شود. در رابطه با سؤالات این بخش، به این نکات توجه کنید:

۱. زیاد وقت خود را صرف خواندن متن نکنید:

شما زمان کافی برای خواندن بادقت همهٔ متون را ندارید. از سوی دیگر، بدون خواندن عمیق و بادقت متن نیز می‌توانید پاسخ صحیح سؤالات را پیدا کنید.

۲. اگر متن در ارتباط با موضوعی است که با آن آشنایی ندارید، نگران نباشید:

تمام اطلاعاتی که برای پاسخ به سؤالات نیاز دارید، در داخل متن وجود دارد و شما به هیچ دانش اولیه‌ای برای پاسخ به سؤالات نیاز ندارید.

۳. به خواندن مطالب و متونی بپردازید که موضوعات آنها بطور مکرر در آزمون‌ها مطرح می‌شود:

بخش اعظمی از متون آزمون‌های MSRT، EPT، MHLE و تافل به موضوعاتی چون علوم پایه (مخصوصاً علوم زیستی و پزشکی)، علوم نجوم، کرهٔ زمین، خورشید، ماه، آب‌وهوا، اتمسفر، تکنولوژی و علوم اجتماعی به‌ویژه روانشناسی مربوط می‌شود. سعی کنید بیشتر به مطالعهٔ متونی بپردازید که با موضوعات فوق در ارتباط هستند.

۴. دایرهٔ لغات آکادمیک و رسمی خود را گسترش دهید:

لغات مورد استفاده در متن‌های آزمون‌ها از نوع لغات آکادمیک و رسمی هستند. برای بسط دامنهٔ لغات به شما توصیه می‌کنم بخش «واژگان مهم آزمون‌های زبان» انتهای همین کتاب را که گزیدهٔ کتاب‌هایی چون ۵۰۴ واژه، ۴۰۰ لغت ضروری تافل، Essential Words for the TOEFL، ۱۱۰۰ واژه و ... است را به‌دقت مطالعه نمایید. کتاب **Fast Vocab** ما لغات کتاب‌های فوق را دارا بوده و در حجم مناسب، کامل‌ترین منبع آزمون‌هاست. همچنین، توصیه می‌کنم پیشوندها (prefix) و پسوندهای (suffix) رایج را فراگیرید و لغات را با مترادف‌ها و متضادهای رایج آنها به خاطر بسپارید. یک روش مناسب که می‌تواند در یادگیری مؤثرتر لغات به شما کمک کند، استفاده از دیگرام یا نقشهٔ واژگان (word map) است. در این روش هر لغت به‌همراه مترادف‌ها، متضادها و کلمات مرتبط با آن یادداشت می‌شود.

دیagram زیر صفات‌های هم‌معنی و متضاد strange «عجیب» را نشان می‌دهد:



انواع رایج سؤالات درک مطلب در کنکورهای ارشد و دکتری

انواع سؤالات بخش درک مطلب کنکورهای شامل شش دسته کلی می‌شوند که عبارتند از:

۱. سؤالات مربوط به مفاهیم و ایده‌های متن
 ۲. سؤالات مربوط به جزئیات صریح متن
 ۳. سؤالات مربوط به مرجع ضمیر
 ۴. سؤالاتی که پاسخ آنها بطور مستقیم در متن ارائه نشده است (جزئیات قابل استنباط از متن)
 ۵. سؤالات واژگان
 ۶. سؤالات کلی از متن
- در بخش‌های بعد، هر یک از این انواع را به همراه آموزش نکات و مثال توضیح خواهم داد.

خرید پستی مجموعه کتاب‌های **فست** با تخفیف ویژه و ارسال رایگان به سراسر کشور از:

وبسایت **www.FastZaban.com**

خرید حضوری در نمایندگی‌های انتشارات جنگل و کتابفروشی‌های معتبر در سراسر کشور

✓ کانال تلگرامی آموزش و مشاوره رایگان استاد **مهرداد زنگیه وندی**:

t.me/FastZaban

بخش دوم: سؤالات مربوط به مفاهیم و ایده‌های متن

یکی از انواع رایج سؤالات در بخش درک مطلب کنکورها، سؤالات مربوط به **ایده کلی متن** است که سؤالات مربوط به ایده اصلی (main idea)، موضوع (topic/subject) و عنوان (title) رایج‌ترین زیرشاخه‌های آن هستند. همچنین، ممکن است دربارهٔ چگونگی سازماندهی اطلاعات در متن نیز از شما سؤال پرسیده شود.

۱. سؤالات مربوط به ایده اصلی متن

ایده اصلی متن مهم‌ترین ایده یک متن است که کل متن عمدتاً در ارتباط با آن است. تقریباً همهٔ متن‌ها دارای یک سؤال مرتبط با ایده اصلی متن هستند (که معمولاً سؤال اول آن هستند). ایده اصلی متن معمولاً در **جمله اول متن** قرار دارد؛ البته در برخی موارد ممکن است در میانه و یا در اواخر متن قرار گیرد. پیدا کردن ایده اصلی متن از طریق مطالعه و بررسی جملات موضوع^۱ (topic sentences) میسر می‌شود. جملات موضوع اغلب در ابتدای هر پاراگراف قرار می‌گیرند و کل پاراگراف در ارتباط با آنهاست. اگر متنی تنها از یک پاراگراف تشکیل شده باشد، بایستی تنها ابتدای متن را برای پیدا کردن ایده اصلی مطالعه کنید. به مثال زیر توجه کنید:

۱۱

Passage 1:

In the philosophy of John Dewey, a sharp **distinction** is made between **intelligence** and **reasoning**. According to Dewey, intelligence is the only absolute way to achieve a balance between realism and idealism, between **practicality** and wisdom of life. Intelligence involves “**interacting** with other things and knowing them,” while reasoning is merely the act of an observer, “... a mind that **beholds** or **grasps** objects outside the world of things ...”. With reasoning, a level of mental certainty can be **achieved**, but it is through intelligence that control is taken of events that shape one’s life.

لغات دشوار متن:

distinction	تمایز، فرق، تفاوت	interact	برهم‌کنش داشتن
intelligence	هوش	behold	مشاهده کردن
reasoning	استدلال	grasp	درک کردن، دریافتن
practicality	انجام‌پذیری	achieve	دست یافتن / رسیدن به

^۱ به جمله اصلی هر پاراگراف که معمولاً در ابتدای آن قرار گرفته و موضوع آن را بیان می‌کند، جمله موضوع می‌گویند.

Q: What is the topic of this passage?

- (A) The intelligence of John Dewey
 (B) Distinctions made by John Dewey
 (C) Dewey's ideas on the ability to reason
 (D) How intelligence differs from reasoning in Dewey's works

این سؤال در مورد موضوع متن است. بدلیل اینکه متن تنها از یک پاراگراف تشکیل شده است، برای یافتن پاسخ بایستی تنها به جمله اول متن توجه کنیم. جمله اول متن تمایز (distinction) بین هوش (intelligence) و استدلال (reasoning) در فلسفه John Dewey را مورد بحث قرار می‌دهد و احتمالاً موضوع متن است. نگاهی اجمالی به بقیه جملات متن تأیید می‌کند که موضوع متن تفاوت بین هوش (intelligence) و استدلال (reasoning) است. حال بایستی گزینه‌ها را بررسی کنیم و نزدیک‌ترین گزینه به موضوعی که مشخص کرده‌ایم را انتخاب کنیم. گزینه A تنها به intelligence اشاره می‌کند و نمی‌تواند «موضوع» متن باشد. گزینه B به تمایزهای ارائه‌شده توسط John Dewey اشاره می‌کند، ولی نوع تمایز را بطور خاص بیان نمی‌کند. گزینه C تنها به reasoning «استدلال» اشاره می‌کند و ناقص است. بهترین پاسخ گزینه D است. ایده how intelligence differs from reasoning... از جمله اول متن گرفته شده که می‌گوید a sharp distinction... between intelligence and reasoning.

اگر متنی از بیش از یک پاراگراف تشکیل شده باشد، برای پیدا کردن ایده اصلی بایستی ابتدای همه پاراگراف‌ها را مطالعه کنید. اگر هر پاراگراف دارای موضوع متفاوتی باشد، بایستی مفاهیم و موضوعات همه پاراگراف‌ها را خلاصه یا ترکیب کنیم. در این حالت، ایده اصلی بایستی به کل متن ارتباط داشته باشد، نه فقط به یکی از پاراگراف‌ها.

Passage 2:

Nitrogen fixation is a process by which nitrogen is continuously fed into biological circulation. In this process, certain algae and bacteria convert nitrogen into ammonia (NH₃). This newly-created ammonia is then for the most part absorbed by plants.

The opposite process of denitrification returns nitrogen to the air. During the process of denitrification, bacteria cause some of the nitrates from the soil to convert into gaseous nitrogen or nitrous oxide (N₂O). In this gaseous form, the nitrogen returns to the atmosphere.

لغات دشوار متن:

nitrogen fixation	تثبیت نیتروژن	convert	تبدیل کردن
process	فرایند	absorb	جذب کردن
feed into	رساندن به	denitrification	نیتروژن‌زدایی
circulation	چرخه، گردش، سیر	soil	خاک

Q: Which of the following would be the best title for this passage?

- (A) The Process of Nitrogen Fixation
- (B) Two Nitrogen Processes
- (C) The Return of Nitrogen to the Air
- (D) The Effect of Nitrogen on Plant Life

این تست بهترین عنوان برای متن را مورد پرسش قرار داده است. در متن‌های با بیش از یک پاراگراف، بایستی برای پیدا کردن موضوع، عنوان یا ایده اصلی، جمله اول پاراگراف‌ها را بخوانیم. در این مثال، جمله اول پاراگراف اول مشخص می‌کند که پاراگراف اول در مورد فرایند تثبیت نیتروژن (nitrogen fixation) است. اگر تنها پاراگراف اول را بررسی کنید، ممکن است گزینه نادرست A را انتخاب کنید که می‌تواند تنها عنوانی مناسب برای پاراگراف اول باشد. جمله اول پاراگراف دوم مشخص می‌کند که این پاراگراف در مورد فرایند نیتروژن‌دهی (denitrification) است. گزینه C نادرست است، زیرا بازگشت نیتروژن به هوا مربوط به فرایند نیتروژن‌دهی است و این تنها در پاراگراف دوم مورد بحث قرار گرفته است. گزینه D نیز نادرست است، زیرا در متن اشاره‌ای به تأثیر نیتروژن بر زندگی گیاهی (plant life) نشده است. بهترین پاسخ گزینه B است؛ دو فرایند نیتروژنی (the two nitrogen processes) داریم که شامل nitrogen fixation (در پاراگراف اول) و denitrification (در پاراگراف دوم) است.

Passage 3:

Although “lie detectors” are being used by governments, police departments, and businesses that all want **guaranteed** ways of **detecting** the truth, the results are not always **accurate**. Lie detectors are properly called emotion detectors, for their aim is to measure bodily changes that **contradict** what a person says. The polygraph machine records changes in heart rate, breathing, blood pressure, and the electrical activity of the skin (galvanic skin response, or GSR). In the first part of the polygraph test, you are electronically connected to the machine and asked a few **neutral** questions (“What is your name?” “Where do you live?”). Your physical reactions serve as the standard (baseline) for **evaluating** what comes next. Then you are asked a few critical questions among the **neutral** ones (“When did you rob the bank?”). The **assumption** is that you are **guilty**, your body will reveal the truth, even if you try to deny it. Your heart rate, **respiration**, and GSR will change **abruptly** as you respond to the **incriminating** questions.

That is the theory, but psychologists have found that lie detectors are simply not **reliable**. Since most physical changes are the same across the emotions, machines cannot tell whether you are feeling guilty, angry, nervous, **thrilled**, or **revved up** from an exciting day. **Innocent** people may be tense and nervous about the whole procedure. They may react physiologically to a certain word (“bank”) not because they robbed it, but because they recently **bounced** a check. In either case the machine will record a “lie.” The reverse mistake is also common. Some

practiced liars can lie without **flinching**, and others learn to beat the machine by **tensing** muscles or thinking about an exciting experience during neutral questions.

لغات دشوار متن:

lie detector	دروغ‌سنج	abruptly	بطور ناگهانی
guaranteed	تضمین‌شده	incriminating	اتهام‌برانگیز
detect	کشف کردن، پی بردن به	reliable	قابل اعتماد، قابل اتکا
accurate	دقیق؛ صحیح	thrilled	هیجان‌زده، ذوق‌زده
contradict	متناقض بودن، مخالفت کردن با	revved up	بسیار هیجان‌زده
evaluate	(ارزش چیزی را) برآورد کردن، ارزیابی کردن	innocent	بی‌گناه؛ بی‌تقصیر
neutral	بی‌طرف	bounce	[چک] برگشت خوردن
assumption	فرض	flinch	سر باز زدن؛ لرزیدن
guilty	گناهکار، مقصر	tense	متنبض کردن
critical	انتقادی	reveal	فاش کردن؛ آشکار کردن
respiration	تنفس	reliability	اتکاپذیری

Q: What is the main idea of the passage?

- (A) physical reactions **reveal** guilt.
 (B) how lie detectors are used and their **reliability**.
 (C) lie detectors distinguish different emotions.
 (D) lie detectors make innocent people nervous.

این تست، ایده اصلی متن را مورد پرسش قرار داده است. در متن‌های با بیش از یک پاراگراف، بایستی برای پیدا کردن موضوع، عنوان یا ایده اصلی، جمله اول پاراگراف‌ها را بخوانیم. گزینه A نادرست است زیرا خیلی کلی است و هیچ ارتباطی با lie detectors «دروغ‌سنج‌ها» ندارد. گزینه C نادرست است، زیرا دروغ‌سنج‌ها تنها تغییرات فیزیکی بدن را ثبت می‌کنند، نه تغییرات عاطفی آن را. گزینه D نادرست است، زیرا دروغ‌سنج‌ها افراد بی‌گناه را مضطرب می‌کنند، ولی این نکته تنها یکی از جزئیات متن است نه ایده اصلی آن. بهترین پاسخ گزینه B است، زیرا ترکیبی از ایده اصلی پاراگراف اول (که در مورد استفاده از دروغ‌سنج‌هاست) و مفهوم اصلی پاراگراف دوم (اتکاپذیری دروغ‌سنج‌ها) می‌باشد.

در آزمون

الف. سؤالات مربوط به **ایده اصلی متن** به شکل های مختلفی پرسیده می شوند؛ مانند:

(A) What is the **(main) topic of subject of main idea of main idea expressed in author's main point in main theme in main/primary purpose of** the passage?

(B) The passage **deals mainly with is mainly about**

(C) With what topic is the passage/author **mainly concerned**?

- What does the passage **mainly discuss**?
- The passage provides/supplies **sufficient information to answer** which of the following questions?
- Which of the following would be the **best title**?

ب. نحوه پاسخ به سؤالات مربوط به ایده اصلی متن بصورت زیر است:

۱. جمله اول هر پاراگراف را بخوانید.
۲. به دنبال یک موضوع یا ایده مشترک بین جملات اول پاراگراف ها باشید.
۳. مابقی متن را به سرعت از نظر بگذرانید تا مطمئن شوید که جمله (های) موضوع را به درستی پیدا کرده اید.
۴. پاسخ های نادرست را حذف کرده و از میان گزینه های باقی مانده بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

ج. گزینه های نادرست در سؤالات مربوط به ایده اصلی متن اغلب به شکل های کلی زیر دیده می شوند:

۱. گزینه نادرست ممکن است **خیلی کلی** باشد.
۲. گزینه نادرست ممکن است صحیح بنظر برسد، ولی **خیلی جزئی و ناقص** باشد و تنها دربردارنده جمله موضوع **یکی از پاراگراف ها** باشد.
۳. گزینه نادرست ممکن است **سوء برداشت ناصحیحی از ایده اصلی متن** باشد.

Sample Test 1 (Unit 2)

Vaccines are prepared from harmful viruses or bacteria and administered to patients to provide immunity to specific diseases. The various types of vaccines are classified according to the method by which they are derived.

The most basic class of vaccines actually contains disease-causing microorganisms that have been killed with a solution containing formaldehyde. In this type of vaccine, the microorganisms are dead and therefore cannot cause disease; however, the antigens found in and on the microorganisms can still stimulate the formation of antibodies. Examples of this type of vaccine are the ones that fight influenza, typhoid fever, and cholera.

A second type of vaccine contains the toxins produced by the microorganisms rather than the microorganisms themselves. This type of vaccine is prepared when the microorganism itself does little damage but the toxin within the microorganism is extremely harmful. For example, the bacteria that cause diphtheria can thrive in the throat without much harm, but when toxins are released from the bacteria, muscles can become paralyzed and death can ensue.

A final type of vaccine contains living microorganisms that have been rendered harmless. With this type of vaccine, a large number of antigen molecules are produced and the immunity that results is generally longer lasting than the immunity from other types of vaccines. The Sabin oral antipolio vaccine and the BCG vaccine against tuberculosis are examples of this type of vaccine.

1. Which of the following expresses the main idea of the passage?

- (A) vaccines provide immunity to specific diseases
- (B) vaccines contain disease-causing microorganisms
- (C) vaccines are derived in different ways
- (D) new approaches in administering vaccines are being developed

2. How many types of vaccines are presented in the passage?

- (A) two
- (B) three
- (C) four
- (D) five

3. Which paragraph discusses the vaccines made from dead organisms?

- (A) paragraph 1
- (B) paragraph 2
- (C) paragraph 3
- (D) paragraph 4

4. Which paragraph discusses the vaccines that do not contain the disease-causing microorganism?

- (A) paragraph 1
- (B) paragraph 2
- (C) paragraph 3
- (D) paragraph 4

آزمونهای جامع

Passage 1

Nutrition is the study of how food **affects** our health. All foods **contain** substances, called **nutrients**, **which** provide us with energy and the **raw materials** for living. They include proteins, carbohydrates, fats, **minerals**, and vitamins. The nutrients that our body cannot make enough of them, from raw materials in our food, are essential nutrients. Essential nutrients include certain proteins, certain fats, vitamins, and minerals. If your body does not get enough of one of these, you will become ill with a **deficiency** disease, such as **scurvy**, which sailors used to **suffer** from on long **voyages** when they did not have enough vitamin C.

Each nutrient has its own **particular** function in the body. Proteins are the main bodybuilders. Carbohydrates and fats are important for energy. Vitamin C helps to protect us against **infection**, and vitamin D and calcium help good strong bones to grow.

Foods are made of more than one nutrient. Cheese, for example, has lots of protein but contains fat, vitamins, and minerals as well. No single food contains all the nutrients we need, so we should eat a variety of foods to make sure we get all the nutrients in **roughly** the right **combination**.

۷۱

1. Which of the following is not true about nutrients?

- 1) Nutrients are substances which can be found in different foods.
- 2) Nutrients are all categorized as essential nutrients.
- 3) Nutrients include fats and carbohydrates.
- 4) Nutrients are the sources of energy we need for living.

2. Scurvy is mentioned in the passage to

- 1) show the difficult lives of sailors
- 2) state how vitamin C can cause diseases
- 3) point to the importance of some functions in our body
- 4) provide an example of vitamin **sufficiency**

3. According to the passage, we should

- 1) avoid eating foods that contain fat
- 2) eat different kinds of food
- 3) only eat foods that contain vitamin D and calcium
- 4) not eat carbohydrates if we do not need so much energy

4. Which of the following best describes the content of the passage?

- 1) How to make our bodies stronger
- 2) How our bodies can make essential nutrients
- 3) The impact of nutrition on our bodies
- 4) The combination of foods

5. The word "which" in line 2 refers to

- 1) substances
- 2) any food
- 3) energy
- 4) materials

Passage 2

Brazil's economy is the largest in South America and one of the largest in the world. Brazil's climate makes it possible for the nation to grow a wide range of crops. The **abundance** of **natural resources**, used to develop a variety of industries and manufactured goods, has helped to make Brazil a growing economic power. **Hydroelectricity**, or electric power **generated** by water, **supplies** most of the energy needed to run these industries. Hydroelectricity is provided by **power plants** along the Amazon River and many other rivers **flowing** through Brazil. The largest of these power plants is the Itaipu Dam on the Parana River.

6. The passage mainly discusses

- 1) the importance of Brazil to South America
- 2) how electricity is generated by water
- 3) reasons for Brazil's growing economy
- 4) main rivers flowing through Brazil

7. The word "abundance" in line 3 is closest in meaning to

- | | |
|-------------|-----------------|
| 1) scarcity | 2) wealth |
| 3) shortage | 4) conservation |

8. All of the following are mentioned to have contributed to Brazil's economic and industrial success EXCEPT

- | | |
|---------------------------------|-----------------------|
| 1) the power generated by water | 2) natural resources |
| 3) help from other nations | 4) climate conditions |

9. According to the passage, Brazil's growing economy mainly depends on

- | | |
|-------------------------|------------------------|
| 1) fossil fuels | 2) solar energy |
| 3) nuclear power | 4) hydropower |

10. The paragraph following the passage most probably discusses

- | | |
|------------------------|-----------------------|
| 1) the Itaipu Dam | 2) the Amazon River |
| 3) Brazil's industries | 4) changes in climate |

Passage 3

Theories about how brain works remain a topic of **debate**. It is agreed, though, that the hippocampus, a part of the brain, is **undeniably** important for memory. When we experience something, the information is sent via our senses to the hippocampus, where **it** is **processed**. Scientists believe that brain cells called neurons first transform the sensory **stimuli** we experience into images in our immediate memory. Then, these images are sent to the hippocampus and stored **temporarily** in short-term memory. In the hippocampus, information is organized, and it is during this process that parts of the image of our experience

fade away. Finally, certain information is then **transferred** to long-term memory in a section in the frontal lobe of the brain known as the cerebral cortex. Scientists think this process may happen while we are sleeping, but exactly how the information is transferred from one area of the brain to another is a **mystery**.

11. The passage is mainly about

- 1) how to improve memory
- 2) why some of the information in short-term memory fades away
- 3) how human brain processes and stores information
- 4) the importance of neurons in transferring sensory stimuli

12. According to the passage, scientists agree that

- 1) all the information is transferred to long-term memory
- 2) neurons send the information to long-term memory
- 3) hippocampus is not important for memory
- 4) the hippocampus is important in processing information

13. According to the passage, scientists

- 1) know that information is sent from the long-term memory to hippocampus
- 2) have discovered why some of the information is lost in hippocampus
- 3) are not sure how information is transferred from one area of the brain to another
- 4) still debate whether the hippocampus is important for memory

14. The word "it" in line 4 refers to

- | | |
|----------------|----------------|
| 1) information | 2) hippocampus |
| 3) sense | 4) processed |

15. According to the passage, while we are sleeping information is transferred

- 1) from sensory memory to short-term memory
- 2) to an area called the cerebral cortex
- 3) to long-term memory in an unstructured way
- 4) in the form of colorful pictures which then fade away

پاسخ تشریحی آزمونهای جامع

متن ۱

علم تغذیه به بررسی چگونگی تأثیر مواد غذایی بر سلامت انسان می‌پردازد. همهٔ خوراکی‌ها حاوی مواد مغذی هستند که انرژی و مواد خام مورد نیاز بدن ما را تأمین می‌کنند. این مواد شامل پروتئین‌ها، کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها، مواد معدنی و ویتامین‌ها هستند. مواد مغذی‌ای که بدن ما قادر به ساختن مقدار کافی از آنها با استفاده از مواد خام موجود در غذایمان نیست، مواد مغذی ضروری هستند. مواد مغذی ضروری شامل انواع خاصی از پروتئین‌ها، چربی‌ها، ویتامین‌ها و مواد معدنی است. اگر بدن شما یکی از این مواد را به میزان کافی دریافت نکند، منجر به بیماری‌های نارسایی می‌شود، مانند بیماری اسکوربوت که ملوان‌ها در سفرهای دریایی طولانی مدت به دلیل کمبود ویتامین «ث» به آن مبتلا می‌شوند.

هر یک از این مواد کارکرد خاصی در بدن دارد. پروتئین‌ها مواد اصلی سازندهٔ اندام‌ها هستند. کربوهیدرات‌ها و چربی‌ها برای تولید انرژی در بدن اهمیت دارند. ویتامین «ث» از بدن ما در مقابل بیماری و عفونت محافظت می‌کند، و ویتامین «د» و کلسیم به رشد و تقویت استخوان‌ها کمک می‌کنند.

غذاها از بیش از یک مادهٔ مغذی تشکیل می‌شوند. برای مثال، پنیر حاوی مقادیر زیادی پروتئین و چربی، ویتامین و مواد معدنی است. هیچ غذایی به‌تنهایی دارای تمام مواد مغذی مورد نیاز بدن ما نیست؛ بنابراین، باید انواع متنوعی از غذاها را بخوریم تا اطمینان حاصل کنیم که تمام مواد مغذی مورد نیاز بدنمان را به شکل ترکیب مناسبی دریافت می‌کنیم.

۱۵۶

لغات دشوار متن:

affect	تحت تأثیر قرار دادن، متأثر کردن	suffer (from)	رنج بردن؛ متحمل ... شدن
contain	شامل بودن، محتوی بودن، دارا بودن	voyage	سفر (معمولاً طولانی و دریایی)
nutrients	مواد مغذی	particular	ویژه، خاص؛ دقیق؛ سختگیر، دیرپسند
raw material	مادهٔ خام	infection	ابتلا؛ آلودگی
minerals	مواد معدنی	roughly	تقریباً
deficiency	کمبود، نقصان، کاستی	combination	ترکیب
scurvy	اسکوربوت، بیماری کمبود ویتامین «ث»	sufficiency	بسندگی، کفایت

۱. گزینهٔ ۲ [جزئیات بیان شده] با توجه به سطرهای چهارم و پنجم، مواد مغذی که بدن نمی‌تواند از مواد خام موجود در غذا به‌اندازهٔ کافی از آنها تولید کند، مواد مغذی ضروری نامیده می‌شوند؛ نه همهٔ مواد مغذی (بخش ۳).

۲. **گزینه ۲** همانگونه که در کتاب هم عنوان شده، برای یافتن اطلاعات در مورد اسامی خاص (اینجا scurvy که بیماری ناشی از کمبود ویتامین C در بدن است)، بایستی متن را scan کنید. با استفاده از تکنیک scan کردن متن (که در بخش ۱ کتاب توضیح داده شده)، در می‌یابیم که در سطرها ۷ تا ۸ در مورد scurvy صحبت شده است. حال، بایستی با خواندن دقیق‌تر این قسمت از متن به سراغ گزینه‌ها برویم:

If your body does not get **enough** of ... you will become ill with a **deficiency** disease, such as scurvy, which sailors ... when they **didn't have enough vitamin C**.

ترجمه:

«اگر بدن شما مقدار کافی از این مواد [ویتامین‌ها] را دریافت نکند، شما به بیماری‌هایی که بواسطهٔ نداشتن میزان کافی (**deficiency**) از مواد بروز پیدا می‌کنند، مانند scurvy، مبتلا خواهید شد ...»

اگر کمی دقت کنید این سطرها (سطرها ۶ تا ۸ متن) به‌عنوان مثالی (با توجه به استفاده از such as) از بیماری‌هایی که بدلیل نداشتن میزان کافی از مواد در بدن بروز پیدا می‌کنند، بکار رفته‌اند.

- ✓ گزینه ۱ نادرست است، زیرا هدف متن نشان دادن زندگی سخت ملوان‌ها نیست!
- ✓ گزینه ۲ نادرست است، زیرا اشاره‌ای به اینکه ویتامین C باعث بروز scurvy می‌شود، نشده است؛ بلکه با توجه به سطر هشتم، کمبود ویتامین C باعث ابتلا به scurvy می‌شود.
- ✓ گزینه ۳ نیز نادرست است، زیرا برای اشاره به اهمیت برخی کارکردها به scurvy اشاره نشده است.
- ✓ گزینه ۴ نیز نادرست است، زیرا اشاره به scurvy برای فراهم آوردن مثالی از کمبود (**deficiency**) ویتامین C است، نه کفایت (**sufficiency**) آن! این گزینه هم متضاد دلیل اشاره به scurvy است!

برای اصلاح تست، بهتر بود در گزینه ۴، بجای **sufficiency** از **deficiency** استفاده می‌شد.

۳. **گزینه ۲** [جزئیات بیان‌شده] با توجه به دو سطر آخر متن، از آنجا که هیچ غذایی تمامی مواد مغذی مورد نیاز بدن را شامل نمی‌شود، بایستی انواع مختلفی از غذاها را تناول کنیم (بخش ۳).

۴. **گزینه ۳** [ایدهٔ اصلی متن] این تست در رابطه با محتوای متن (ایدهٔ اصلی متن) است. برای پاسخ بایستی به جملهٔ اول پاراگراف‌ها توجه کنیم. همانطور که می‌بینید در سطر اول متن (و همچنین دیگر بخش‌های متن) از تأثیر تغذیه و غذا بر سلامتی صحبت شده است. در نتیجه، گزینه ۳ بهترین پاسخ است (بخش ۲).

۵. **گزینه ۱** [مرجع ضمیر] ضمیر موصولی **which** در خط دوم به **substances** «مواد» رجوع می‌کند و یک جمله‌وارهٔ وصفی برای توصیف آن است (بخش ۴).

متن ۲

اقتصاد برزیل بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای جنوبی و یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان است. شرایط آب‌وهوایی برزیل امکان کشت گستردهٔ وسیعی از محصولات کشاورزی را برای مردم آن فراهم می‌کند. فراوانی

Fast Reading

پاسخ تشریحی آزمونهای جامع

منابع طبیعی مورد استفاده برای توسعه صنایع گوناگون و کالاهای تولیدی، به تبدیل برزیل به یک قدرت اقتصادی در حال رشد کمک کرده است. هیدروالکتریسیته، برق تولیدشده از آب، بیشتر انرژی مورد نیاز برای راه اندازی این صنایع را فراهم می کند. هیدروالکتریسیته بوسیله نیروگاه های برق موجود در امتداد رود آمازون و بسیاری از رودهای دیگری که در برزیل جاری هستند، تهیه می شود. بزرگترین این نیروگاه ها، نیروگاه سد آیتایو است که در حاشیه رود پارانا قرار دارد.

لغات دشوار متن:

abundance	فراوانی، وفور (نعمت)	power plant	نیروگاه
natural resources	منابع طبیعی	flow (v.)	جاری بودن، در جریان بودن
hydroelectricity	برق تولیدشده از آب یا بخار	fossil fuels	سوخت های فسیلی
generate	تولید کردن	solar energy	انرژی خورشیدی
supply (v.)	فراهم کردن، تهیه کردن	nuclear power	نیروی هسته ای

ع. گزینه ۳ [ایده اصلی متن] دلیل استفاده از mainly discusses «عمدتاً در مورد ... بحث می کند» در صورت سؤال، متوجه می شویم که این تست، از نوع سؤالات مربوط به ایده اصلی متن است. با توجه به جمله اول متن و تم غالب بر کل متن، گزینه ۳، «دلایل اقتصاد در حال رشد برزیل»، بهترین پاسخ است (بخش ۲ کتاب).

۷. گزینه ۲ [معنی لغات] لغت wealth «فراوانی، وفور» نزدیکترین معنی را به abundance «فراوانی، وفور (نعمت)» دارد.

۸. گزینه ۳ [جزئیات بیان نشده] با توجه به استفاده از کلمات mention و EXCEPT در صورت سؤال، متوجه می شویم که این تست، از نوع سؤالات مربوط به جزئیات بیان نشده در متن است و برای یافتن پاسخ، بایستی پس از رد گزینه های صحیح، پاسخ را انتخاب کنیم. سؤال از ما می خواهد گزینه ای را که در موفقیت اقتصادی و صنعتی برزیل نقش نداشته را انتخاب کنیم. با توجه به سطر پنجم متن، گزینه ۱ صحیح است. با توجه به سطر سوم متن، گزینه ۲ هم صحیح است. با توجه به سطر دوم، گزینه ۴ نیز صحیح است. پس، پاسخ گزینه ۳ است؛ زیرا در متن اشاره ای به نقش «کمک کشورهای دیگر» نشده است. (بخش ۳ کتاب).

۹. گزینه ۴ [جزئیات بیان شده] با توجه به استفاده از اصطلاح according to «بر طبق، بر اساس» در صورت سؤال، متوجه می شویم که این تست، از نوع سؤالات مربوط به جزئیات بیان شده در متن است و برای یافتن پاسخ، بایستی پس از پیدا کردن کلمات کلیدی در متن، آن قسمت را به دقت مطالعه کرده و پس از رد گزینه های نادرست، پاسخ را انتخاب کنیم. با توجه به سطرهای پنجم و ششم، «اقتصاد در حال رشد برزیل» عمده ترین نیروی برق تولیدشده بوسیله آب متکی است. بنابراین، پاسخ گزینه ۴ است (بخش ۳).

۱۰. گزینه ۱ [حدس موضوع پاراگراف بعدی] با توجه به استفاده از اصطلاح probably discusses در صورت سؤال، متوجه می شویم که این تست، از نوع سؤالات مربوط به حدس موضوع پاراگراف بعدی است و

برای یافتن پاسخ، بایستی به جمله آخر متن دقت کنیم. جمله آخر متن در مورد سد آیتاپیو صحبت می کند. بنابراین، پاسخ گزینه ۱ است (بخش ۵ کتاب).

متن ۳

نظریه ها در باب چگونگی کارکرد مغز همچنان موضوعی قابل بحث است. با اینحال، در مورد اینکه بخشی از مغز بنام هیپوکامپ برای حافظه بسیار مهم است، اتفاق نظر وجود دارد. وقتی چیزی را تجربه می کنیم، اطلاعات از طریق حواس ما به هیپوکامپ منتقل شده و در آنجا پردازش می شوند. دانشمندان معتقدند که سلول های مغزی بنام نورون ابتدا محرک های حسی ای که تجربه می کنیم را در حافظه فوری به تصویر تبدیل می کنند. سپس، این تصاویر به هیپوکامپ منتقل شده و موقتاً در حافظه کوتاه مدت ذخیره می شوند. در هیپوکامپ اطلاعات سازماندهی می شوند، و در طی این فرایند است که بخش هایی از تصویر تجربه ما ناپدید می شوند. در نهایت، اطلاعات محقق به حافظه بلندمدت، در قسمتی از لب جلویی مغز بنام پوسته مغزی (قشر مخ) منتقل می شوند. دانشمندان تصور می کنند که این فرایند ممکن است زمانی که خواب هستیم رخ دهد، اما اینکه این اطلاعات دقیقاً چگونه از ناحیه ای از مغز به ناحیه ای دیگر منتقل می شوند، همچنان نامشخص است.

لغات دشوار متن:

debate (n.)	بحث، گفتمان، مباحثه	temporarily	بطور موقتی
undeniably	بطور انکارناپذیری	fade away	ناپدید شدن
process (v.)	پردازش کردن	transfer	منتقل کردن، منتقل شدن
stimuli	[روانشناسی] انگیزه، محرک	mystery	سر، راز

۱۱. گزینه ۳ [ایده اصلی متن] این تست در ارتباط با موضوع اصلی متن است. برای پاسخ به چنین سؤالاتی، بایستی از طریق مطالعه جملات اول همه پاراگراف ها و استفاده از روش skimming موضوع اصلی متن را پیدا کنیم. با توجه به اینکه متن از یک پاراگراف تشکیل شده، تنها کافیست که به جمله اول متن توجه کرده و باقی جملات متن را به سرعت از نظر بگذرانیم. با توجه به متن، بهترین پاسخ گزینه ۳، چگونگی پردازش و ذخیره اطلاعات در مغز، است (توضیحات بیشتر در بخش های ۱ و ۲ کتاب).

۱۲. گزینه ۴ [جزئیات بیان شده در متن] با توجه به استفاده از اصطلاح according to «بر طبق، بر اساس» در صورت سؤال، متوجه می شویم که این تست، از نوع سؤالات مربوط به جزئیات بیان شده در متن است و برای یافتن پاسخ، بایستی (با استفاده از تکنیک Scanning) گزینه صحیح را انتخاب کنیم. با توجه به سطر دوم، دانشمندان بر این باورند که هیپوکامپ در پردازش اطلاعات نقش بسزایی دارد (بخش ۳ کتاب).

۱۳. گزینه ۳ [جزئیات بیان شده در متن] با توجه به استفاده از اصطلاح according to «بر طبق، بر اساس» در صورت سؤال، متوجه می شویم که این تست، از نوع سؤالات مربوط به جزئیات بیان شده در متن است و برای یافتن پاسخ، بایستی (با استفاده از تکنیک Scanning) گزینه صحیح را انتخاب کنیم. با توجه به دو سطر پایانی

Fast Reading

پاسخ تشریحی آزمونهای جامع

متن، دانشمندان از چگونگی انتقال اطلاعات از بخشی از مغز به بخشی دیگر اطلاع دقیقی ندارند. بنابراین، گزینه ۳ بهترین پاسخ است (بخش ۳ کتاب).

۱۴. **گزینه ۱** [مرجع ضمیر] این سؤال در ارتباط با مرجع ضمیر است. برای یافتن پاسخ، بایستی اغلب به کمی قبل تر مراجعه کرده و با جایگذاری گزینه ها در متن، گزینه مناسب را انتخاب کنیم. با توجه به متن، information مرجع ضمیر it است (بخش ۴ کتاب).

۱۵. **گزینه ۲** [جزئیات بیان شده در متن] با توجه به استفاده از اصطلاح according to «بر طبق، بر اساس» در صورت سؤال، متوجه می شویم که این تست، از نوع سؤالات مربوط به جزئیات بیان شده در متن است و برای یافتن پاسخ، بایستی کلمات کلیدی sleeping, information, transfer و Scan را در متن Scan کرده و گزینه صحیح را انتخاب کنیم. با توجه به سطرهای نهم تا یازدهم متن، اطلاعات محقق احتمالاً در زمان خواب به قشر مخ (cerebral cortex) منتقل می شوند. بنابراین، گزینه ۲ بهترین پاسخ است (بخش ۳ کتاب).

خرید پستی مجموعه کتابهای **فست** با تخفیف ویژه و ارسال رایگان به سراسر کشور از:

وبسایت **www.FastZaban.com**

خرید حضوری در نمایندگی های انتشارات جنگل و کتابفروشی های معتبر در سراسر کشور

✓ کانال تلگرامی آموزش و مشاوره رایگان استاد **مهرداد زنگیه وندی**:

t.me/FastZaban

واژگان مهم آزمونهای زبان

در این قسمت، واژگان مهم آزمونهای زبان به همراه تلفظ IPA، مترادفهای مهم و ترجمه فارسی روان آنها آورده شده است. در قسمت مترادفها، ابتدا کلماتی که زیر آنها خط کشیده نشده و سپس کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده را مطالعه کنید؛ زیرا کلمات به ترتیب ساده به دشوار از چپ به راست مرتب شده‌اند. مترادفهایی که زیر آنها خط کشیده شده عمدتاً مترادفهای دشوارتر و برگزیده از کتابهایی چون ۱۱۰۰ واژه، واژگان ضروری GRE و SAT هستند که بیشتر برای کسانی که خود را برای کسب نمره بالا از آزمونهای مختلف آماده می‌کنند، مناسب هستند. این بخش از کتاب در واقع چکیده‌ای از کتاب **Fast Vocab** ماست.

ترجمه	مترادف	کلمه
ترک کردن؛ دست کشیدن	leave, quit, <u>forsake</u> , <u>desist</u>	abandon /ə' bændən/
کم شدن، کم کردن؛ فروکش کردن	reduce, decrease; relieve, mediate, soothe, <u>mitigate</u> , <u>assuage</u> , <u>appease</u> , <u>alleviate</u> , <u>palliate</u> , <u>attenuate</u>	abate /ə' bɛrt/
تنفر داشتن، نفرت داشتن، بیزار بودن	hate, dislike, detest, <u>loathe</u> , <u>despise</u> , <u>abominate</u>	abhor /æb' hɔ: r/
تحمل کردن؛ دوام آوردن	tolerate, endure, stand	abide /ə' baɪd/
چیز غیرعادی؛ نابهنجاری	oddity, peculiarity, <u>deviation</u> , <u>aberration</u> , <u>anomaly</u>	abnormality /, æbnər' mælɪti/
برانداختن، منسوخ کردن	negate, <u>annul</u> , <u>abrogate</u>	abolish /ə' bɔ: lɪʃ/
متوقف کردن	end, terminate, <u>thwart</u>	abort /ə' bɔ: rt/
جذب کردن، جلب کردن	consume, <u>imbibe</u> ; <u>engross</u>	absorb /əb' sɔ: rb/
پرهیزکار، پارسا، مرتاض؛ کم	temperate, <u>abstinent</u> , <u>austere</u> , <u>ascetic</u>	abstemious /əb' sti: miəs/
فراوان، وافر؛ غنی	plentiful, bountiful, <u>ample</u> , <u>copious</u> , <u>profuse</u> ; <u>opulent</u>	abundant /ə' bʌndənt/
(به مقامی) رسیدن؛ رضایت دادن	approve, consent, concur, assent, <u>endorse</u> , <u>sanction</u> , <u>corroborate</u> , <u>substantiate</u>	accede /ək' si: d/
مورد تأکید قرار دادن	emphasize, underline, stress	accentuate /ək' sentʃueɪt/
عادت کردن، وفق دادن	adapt, adjust, accustom	acclimate /' æklə, meɪt/
شریک جرم، همدست	conspirator, <u>abettor</u>	accomplice /ə' kʌmpləs/

Fast Reading

واژگان مهم آزمونهای زبان

کلمه	مترادف	ترجمه
acknowledge /æk'na:ldʒ/	accept, admit, <u>endorse</u>	اعتراف کردن، تصدیق کردن
acme /'ækmi/	peak, summit, <u>apex</u> , <u>vertex</u> , <u>apogee</u> , <u>pinnacle</u> ; climax, heyday, culmination, <u>zenith</u>	اوج، بالاترین نقطه، قله؛ دوران شکوفایی
acrimonious /æk'rə'mouniəs/	caustic, bitter, <u>mordant</u> , <u>pungent</u> ; <u>astrigent</u> , <u>austere</u> , <u>stringent</u> ; <u>trenchant</u> ; <u>virulent</u>	[رفتار و سخن] نیش‌دار، تلخ، زنده، پر طعنه، تند
adamant /'ædəmənt/	impenetrable; stubborn, <u>obstinate</u> , <u>obdurate</u> , <u>inexorable</u> , <u>intransigent</u>	سمج، پایدار، تسلیم‌ناپذیر، مقاوم
adept /ə'dept/	expert, adroit, <u>virtuoso</u> , <u>prodigy</u> , <u>connoisseur</u>	ماهر، چیره‌دست
adequate /'ædɪkwət/	fit; <u>commensurate</u>	کافی، بسنده
advent /'ædvent/	arrival, appearance; approach	ورود، رسیدن، پیدایش
adverse /'ædvɜ:rs/	unfriendly, <u>uncongenial</u> ; <u>repugnant</u>	نامساعد؛ وارونه
aegis /'i:dʒɪs/	support, guard	پناه، حفاظت، حمایت
affluent /'æfluənt/	wealthy, <u>opulent</u> ; prosperous, flourishing, thriving	فراوان، وافر توانگر، پررونق
aggressive /ə'ɡresɪv/	offensive, warlike, invasive, intrusive, <u>belligerent</u> , <u>bellicose</u>	پرخاشگر؛ متجاوز
allegiance /ə'li:dʒəns/	loyalty, fidelity, faithfulness	پیروی، وفاداری
alleviate /ə'li:viət/	reduce; abate, remit; soothe, <u>allay</u> , <u>assuage</u> , <u>palliate</u>	تسکین دادن؛ فرونشاندن
allocate /'æləkert/	specify; ration; <u>allot</u>	تخصیص دادن؛ سهم دادن
alter /'ɒ:lter/	change, modify; transform, transfigure, transmute	عوض کردن، تغییر دادن
altercation /ɒl'tər'keɪʃən/	fight, brawl, <u>affray</u>	مشاجره، ستیزه (لفظی)
amalgamate /ə'mælgəmeɪt/	mix, combine, blend	ترکیب کردن

کلمه	مترادف	ترجمه
ambivalent /æm'bi:vələnt/	doubtful, dubious, hesitant, uncertain, indecisive, <u>irresolute</u> , <u>inconclusive</u>	دوسویه؛ دوپهلو؛ دودل
ameliorate /ə'mi:liəreɪt/	improve, amend; advance, promote, elevate	بهبود بخشیدن
amend /ə'mend/	correct, revise; <u>rectify</u>	بهرتر کردن، اصلاح کردن
annual /'ænjuəl/	yearly	یکساله، سالیانه، هرساله
antediluvian /ˌæntɪdɪ'lu:vɪən/	primitive, <u>primordial</u> ; <u>primeval</u>	قدیمی؛ کهنه؛ امل
anticipate /æn'tɪsɪpeɪt/	expect; <u>forestall</u>	پیش بینی کردن، انتظار داشتن
appeal /ə'pi:l/	plea, entreaty, <u>supplication</u> , <u>imploration</u>	تقاضا، درخواست، خواهش
aptitude /'æptɪtʊ:d/	ability, capability, proficiency	شایستگی؛ تیزهوشی
assemble /ə'sembəl/	gather, accumulate, amass	گردآوردن، گرد هم آوردن
assertion /ə'sɜ:rʃən/	declaration, <u>proclamation</u>	اعلام (مؤکد)
atrocious /ə'trɔ:səti/	cruelty, horror, <u>iniquity</u>	بدی؛ قساوت، شناعت
augment /ɔ:g'ment/	increase, enhance, <u>compound</u> , <u>escalate</u> , <u>boost</u>	افزایش دادن؛ بزرگتر کردن
avert /ə'vɜ:rt/	avoid, prevent, <u>preclude</u> ; deviate	منحرف کردن؛ پیشگیری کردن
avid /'ævɪd/	eager, enthusiastic, keen, passionate, zealous, <u>ardent</u> , <u>fervent</u> ; devoted, dedicated, earnest; <u>voracious</u> , <u>ravenous</u>	(بسیار) مشتاق، بسیار علاقمند؛ حریص
baffle /'bæfəl/	confuse, bewilder, <u>perplex</u> ; balk, hinder, <u>stymie</u> , <u>thwart</u>	گیج کردن، سردرگم کردن
belligerent /bə'ldʒərənt/	hostile, militant, combative, antagonistic, <u>bellicose</u> , <u>pugnacious</u>	رزمجو، ستیزگرای، طالب جنگ و دعوا، جنگجو
benevolent /bɪ'nevələnt/	generous, benign; <u>amiable</u>	نیکخواه، خیرخواه، نوع پرست
betray /bɪ'treɪ/	deceive; reveal	خیانت کردن؛ فاش کردن

Fast Reading

واژگان مهم آزمونهای زبان

کلمه	مترادف	ترجمه
bias /'baɪəs/	prejudice, <u>partiality</u> ; inclination	تبعیض، غرض‌مندی
bizarre /bɪ'zɑ:r/	strange, weird, odd, curious, peculiar, <u>atypical</u> , <u>eccentric</u>	عجیب و غریب
blunder /'blʌndər/	stupid mistake, gaffe, <u>debacle</u>	اشتباه احمقانه، خبط
bolster /'bɒlstər/	support, strengthen, <u>buttress</u>	تقویت کردن، تحکیم کردن
boost /bu:st/	raise, increase; improve, <u>bolster</u>	بالا بردن؛ ترقی بخشیدن
buttress /'bʌtrəs/	support, strengthen, reinforce	تقویت کردن، تحکیم کردن
cajole /kə'dʒɒl/	persuade, tempt, seduce, entice, lure; <u> wheedle</u> , <u>coax</u> , <u>inveigle</u>	ریشخند کردن، متقاعد کردن، زبان‌بازی کردن
calamity /kə'læməti/	disaster, adversity, catastrophe	فاجعه، بلا، مصیبت
candor /'kændər/	openness, candidness, <u>veracity</u>	رک گوئی، بی‌پرده گوئی
caustic /'kɑ:stɪk/	bitter, <u>mordant</u> , <u>pungent</u> ; austere; sarcastic; <u>virulent</u> , <u>vitriolic</u>	[سخن و نوشته] تند، نیشدار
cautious /'kɔ:ʃəs/	careful, aware, wary, attentive, alert, watchful, <u>vigilant</u>	محیط، هشیار، مواظب
catastrophic /,kætə'strɔ:fɪk/	disastrous	مصیبت‌بار، فاجعه‌آمیز
cease /si:s/	stop, conclude, halt, terminate	متوقف شدن، دست کشیدن
cherish /'tʃerɪʃ/	admire, appreciate, adore, <u>revere</u> , <u>esteem</u> , <u>venerate</u>	گرامی داشتن
chronological /,krɒnə'lɑ:dʒɪkəl/	sequential, in order	زمان‌بندی، به ترتیب زمانی
clandestine /klæn'destɪn/	secret, hidden, covert, <u>furtive</u> , <u>surreptitious</u>	مخفی، پنهان، نهفته
cliché /kli:'ʃeɪ/	commonplace, <u>banality</u> , <u>platitute</u>	کلیشه‌ای، خشکه عبارت، حرف مبتذل، فرسوده واژه
coerce /kou'ɜ:rs/	pressure, push, constrain; force, compel, oblige	مجبور کردن، (به‌زور) وادار کردن
cognitive /'kɑ:gnətɪv/	conceptual	ادراکی، مفهومی

کلمه	مترادف	ترجمه
coherent /koʊˈhɪrənt/	logical, rational, consistent, <u>cogent</u> ; clear, <u>lucid</u> , <u>articulate</u>	منسجم، به هم پیوسته
collapse /kəˈlæps/	break down, fail	فروپاشیدن، فرو ریختن
collide /kəˈlaɪd/	hit, strike; conflict, clash	به هم خوردن، تصادم کردن
commence /kəˈmens/	begin, start, initiate, <u>embark on</u>	شروع کردن یا شدن
commend /kəˈmend/	praise, compliment, applaud	ستودن، تعریف کردن
compel /kəmˈpel/	force, oblige, urge	وادار کردن؛ قانع کردن
compete /kəmˈpi:t/	battle, contend, <u>vie</u>	رقابت کردن، مسابقه دادن
complacent /kəmˈpleɪsənt/	self-satisfied, <u>smug</u>	[مفهوم منفی] از خودراضی
comprehensive /ˌkɑːmprɪˈhensɪv/	complete; thorough, full, extensive, inclusive	جامع، فراگیر، گسترده، مفصل
compromise /ˈkɑːmprəmaɪz/	come to an understanding	توافق کردن، سازش کردن
conceal /kənˈsi:l/	hide, cover, disguise, <u>obscure</u>	پنهان کردن، مخفی کردن
condemn /kənˈdem/	criticize, blame, denounce, <u>revile</u> , <u>censure</u> , <u>berate</u> , <u>admonish</u> , <u>reproach</u> , <u>reprimand</u> , <u>rebuke</u> , <u>reprove</u>	محکوم کردن؛ سرزنش کردن
condone /kənˈdoʊn/	overlook, forget; forgive, pardon	چشم‌پوشی / اغماض کردن
confine /kənˈfaɪn/	limit, restrict; enclose, imprison, trap, <u>impound</u> , <u>incarcerate</u>	محدود کردن؛ زندانی کردن
conjecture /kənˈdʒektʃər/	assumption, speculation, presumption, <u>surmise</u>	حدس، گمان
connive /kəˈnaɪv/	collaborate, conspire, <u>collude</u>	تبانی کردن، توطئه کردن
consensus /kənˈsensəs/	unity, unanimity, <u>accord</u>	اتفاق نظر همگان، هم‌آرایی
consent /kənˈsent/	agree, assent, give in, submit; allow, <u>sanction</u>	رضایت دادن، راضی بودن (به کاری)، تن در دادن

کلمه	مترادف	ترجمه
contamination /kənˌtæmɪˈneɪʃn/	pollution, <u>adulteration</u>	آلودگی، ناپاکی
contagious /kənˈteɪdʒəs/	infectious, catching	ساری، واگیر، مسری
contribute (to) /kənˈtrɪbjʊ:t/	help to cause, make for	دخیل / سهمیم بودن در
controversial /ˌkɒːntrəˈvɜːrʃl/	arguable, disputable, debatable, <u>contentious</u>	بحث‌برانگیز
corpulent /ˈkɔːrpjʊlənt/	fat, overweight, obese	فربه، چاق، تنومند
covert /ˈkoʊvɜːrt/	hidden, clandestine ≠ overt	پنهان، نهفته، پنهانی
credible /ˈkredəbl/	believable, probable, possible, plausible, <u>tenable</u> , <u>feasible</u>	زودباور
criterion /kraɪˈtɪriən/	standard, specification, scale, benchmark, <u>gauge</u>	ملاک، معیار، محک
culpable /ˈkʌlpəbl/	guilty, blameworthy, <u>censurable</u>	مقصر، لغزشکار
culprit /ˈkʌlprɪt/	offender, wrongdoer; criminal, delinquent, <u>felon</u> , <u>perpetrator</u>	مجرم، بزه‌کار
curb /kɜːrb/	control, hold back/in, check, restrain, <u>repress</u> , <u>suppress</u>	مهار کردن
cursor /ˈkɜːrsəri/	casual, superficial, <u>perfunctory</u> , <u>desultory</u> ; brief, passing, <u>fleeting</u>	سرسری، شتاب‌زده
debate /dɪˈbeɪt/	discuss, talk about, argue, dispute	بحث کردن، مورد بحث قرار دادن
decadent /ˈdekədənt/	corrupt, sinful, immoral, <u>degenerate</u> , <u>dissolute</u> ; <u>licentious</u> ; declining, <u>sybaritic</u>	منحط، فرومایه، فاسد، هرزه؛ روبه‌زوال، رو به نابودی
deceive /dɪˈsiːv/	cheat, trick, swindle, defraud, hoax, dupe, mislead, delude, fool, beguile, <u>inveigle</u>	فریب دادن، فریفتن، گول زدن، تقلب کردن
decrease /dɪˈkriːs/	lessen, reduce, diminish, decline, <u>dwindle</u> ; abate, subside, <u>wane</u> ; plummet, <u>plunge</u>	کاستن، کم شدن، کم کردن

کلمه	مترادف	ترجمه
defect /dɪ'fekt/	fault, flaw, imperfection, deficiency, weakness, weak spot, inadequacy, shortcoming	نقص، عیب، کاستی، کمبود، ضعف
deferential /dɛfə'renʃəl/	respectful, humble, <u>obsequious</u> ; obedient, subservient, <u>docile</u> , <u>complaisant</u> , <u>compliant</u> , <u>tractable</u>	بادب، باملاحظه
deficiency /dɪ'fɪʃənsi/	lack, shortage, dearth, deficit; scarcity, shortness, <u>paucity</u> ; defect, fault	نقص، کاستی
defiant /dɪ'faɪənt/	resistant, <u>intransigent</u> , <u>obstinate</u> , <u>recalcitrant</u> ; rebellious, disobedient, <u>obstreperous</u>	نافرمان، سرپیچی کننده، گردنکش
dejected /dɪ'dʒektəd/	unhappy, gloomy, depressed, <u>desolate</u> , <u>despondent</u>	محزون، اندوهگین
deliberate /dɪ'libərət/	intentional, calculated, intended, purposeful, <u>premeditated</u>	عمدی، عمداً، آگاهانه
delineate /dɪ'lniɪt/	describe, depict; specify	توصیف کردن، شرح دادن
denigrate	belittle, depreciate, disparage, <u>deprecate</u> , <u>decry</u> , <u>demean</u>	بی‌آبرو کردن، بدنام کردن
denounce /dɪ'naʊns/	criticize, reject, censure, condemn, <u>revile</u> , <u>vilify</u> , <u>discredit</u> ; <u>proscribe</u> ; <u>castigate</u>	محکوم کردن، نکوهش کردن
denunciation /dɪ,nɑnsi'eɪʃən/	condemnation, <u>censure</u>	نکوهش، تقبیح
depict /dɪ'pɪkt/	represent, delineate, portray	بیان کردن، آشکار کردن
deplorable /dɪ'plɔ:rəbəl/	shameful; reprehensible, <u>despicable</u> , <u>abominable</u> , <u>execrable</u> ; awful, terrible, dreadful, <u>atrocious</u> , <u>diabolical</u>	تأسف‌آور، اسفانگیز
deprive /dɪ'praɪv/	dispossess, bereave	محروم کردن، بی‌بهره کردن

کلمه	مترادف	ترجمه
destitute /'destɪtʊ:t/	poor, penniless, <u>distressed</u> , <u>impoverished</u> , <u>indigent</u> , <u>impecunious</u> , <u>penurious</u>	(بسیار) فقیر، تهی دست، مستمند
detach /dɪ'tætʃ/	disconnect, separate, loose	از هم جدا کردن، گسستن
deterrent /dɪ'tɜ:rənt/	restraint; obstacle, barrier, <u>hindrance</u> , <u>impediment</u> , <u>obstruction</u> , <u>inhibition</u>	بازدارنده، مانع
detrimental /,detrɪ'mentl/	harmful, injurious, hurtful, destructive, malign, adverse, <u>pernicious</u> , <u>inimical</u> , <u>deleterious</u>	زیان آور، زیانبخش، مضر
devastate /'devəsteɪt/	destroy, ruin, demolish, <u>raze</u>	(کاملاً) ویران / خراب کردن
devious /'di:vɪəs/	dishonest, deceitful, unethical, immoral, <u>unscrupulous</u> , <u>fraudulent</u> ; <u>cunning</u> , <u>artful</u>	نادرست، دغل، حيله گر؛ منحرف
devoid of /dɪ'vɔɪd ə:v/	empty, vacant, bereft, <u>destitute</u>	عاری از، بدون
digress /daɪ'gres/	wander, diverge, <u>deviate</u>	(از موضوع) پرت شدن
dilemma /də'lemə/	plight, <u>predicament</u> , <u>quandary</u>	تنگنا، مخممه، دوراهی
diminish /dɪ'mɪnɪʃ/	reduce, decrease, cut down/back	[اهمیت، رتبه، ...] کم کردن
discrepancy /dɪ'skrepənsɪ/	variation, disagreement, inconsistency, incompatibility, <u>disparity</u>	ناهمخوانی، تناقض، مغایرت
disdain /dɪs'deɪn/	scorn, contempt, deride	با دیدۀ تحقیر نگرستن
disinterested /dɪs'ɪntrəstəd/	unprejudiced, neutral, objective, impersonal, dispassionate, <u>impartial</u> , <u>unbiased</u> ; fair, <u>equitable</u> ; unenthusiastic, indifferent, <u>apathetic</u>	منصف، بی طرف؛ بی علاقه
disparate /'dɪspərət/	dissimilar, unlike; separate, diverse, <u>heterogeneous</u> , <u>distinct</u>	متمايز، نابرابر
dispute /dɪ'spju:t/	discuss, debate; argue	بحث (کردن)
disrupt /dɪs'rʌpt/	disturb, interfere with; interrupt	[جلسه/ مذاکره] مختل کردن

کلمه	مترادف	ترجمه
dissolve /dɪ'zɑ:lv/	liquefy, break down, disintegrate; disappear, vanish, disperse	حل شدن / کردن؛ متلاشی کردن
distort /dɪ'stɔ:rt/	falsify, <u>garble</u>	تحریف کردن
distress /dɪ'stres/	suffering, pain; sorrow, grief, despair; danger, peril, <u>jeopardy</u>	افسردگی، اندوه، غم؛ خطر
dormant /'dɔ:rmənt/	inactive, passive, inert, <u>latent</u> , <u>quiescent</u>	خفته، در کمون، غیرفعال؛ نهفته
drastic /'dræstɪk/	extreme, serious; heavy, severe, harsh, rigorous	شدید، حاد، تند، طاقت‌فرسا
duress /du:'res/	force, pressure, <u>compulsion</u>	زور، اجبار
economical /,ekə'na:mɪkəl/	mean, miserly, stingy, provident, prudent, thrifty, <u>frugal</u> , <u>parsimonious</u>	صرفه‌جو، کم‌مصرف، مقتصد
efficacious /,efə'keɪʃəs/	effective; helpful, useful, beneficial, advantageous	ثمربخش، نتیجه‌بخش، مؤثر
egotist /'i:gəʊtɪst/	egocentric, selfish; boaster, <u>braggart</u>	خودخواه، خودپرست، خودستا، مغرور
elaborate /ɪ'læbəreɪt/	complicated, complex, intricate; detailed; <u>convoluted</u> ; <u>expound on</u>	پر جزئیات؛ دقیق؛ مفصل (گفتن)
elevate /'eləveɪt/	raise; promote	بالا بردن؛ ترفیع دادن
eliminate /ɪ'ɪməneɪt/	remove, destroy, annihilate, wipe out, extinguish, <u>eradicate</u> , <u>obviate</u> , <u>obliterate</u>	حذف کردن؛ از قلم انداختن؛ نابود کردن
elicit /ɪ'ɪsət/	draw, extract, evoke	باعث شدن، کشیدن
elongate /ɪ'lɒ:ŋeɪt/	extend, prolong	دراز کردن، کشیده کردن یا شدن
elusive /ɪ'lu:sɪv/	evasive; vague, intangible ≠ tangible	دشوار، دیرفهم؛ فرار

کلمه	مترادف	ترجمه
embrace /ɪmˈbreɪs/	welcome, accept, adopt; include, comprise, contain, encompass, <u>embody</u> ; hug	(با میل) پذیرفتن؛ شامل بودن، در بر داشتن؛ در آغوش گرفتن
emerge /ɪˈmɜːrdʒ/	appear; turn out	پدیدار شدن، نمایان شدن
eminent /ˈemɪnənt/	famous, well known, outstanding, distinguished, renowned, notable, celebrated, <u>influential</u> , <u>illustrious</u> , <u>esteemed</u> , <u>prominent</u> , <u>acclaimed</u>	برجسته، مشهور؛ برآمده
emulate /ˈemjʊleɪt/	copy, imitate; match, equal	تقلید کردن، دنباله‌روی کردن
enactment /ɛˈnæktmənt/	approval, authorization, <u>ratification</u> , <u>sanction</u>	تصویب، وضع؛ اجرا
encompass /ɪnˈkʌmpəs/	contain, enclose; include, comprise, involve	در برگرفتن؛ در بر داشتن
endure /ɪnˈdʊr/	experience, encounter; cope with, deal with, suffer, put up with, bear, undergo, withstand; tolerate, abide; last, live on, continue, persist	تاب آوردن، تحمل کردن، رنج بردن؛ استقامت کردن، پایدار ماندن
enforce /ɪnˈfɔːrs/	apply, implement, impose, execute, <u>prosecute</u> ; force, compel, <u>coerce</u> , <u>extort</u>	[قانون] اجرا کردن؛ تحمیل کردن؛ مجبور کردن
enhance /ɪnˈhæns/	increase, intensify, lift, <u>amplify</u> , <u>augment</u> , <u>boost</u>	بالا بردن؛ بهتر کردن
enumerate /ɪˈnuːməreɪt/	list, itemize; cite, name, specify	برشمردن؛ فهرستوار گفتن
equilibrate /ˌiːkwɪˈlɪbreɪt/	keep balance	هم‌سنگ کردن، متعادل کردن
equity /ˈekwəti/	fairness, justness; value, worth	انصاف؛ برابری؛ دارایی خالص
eulogy /ˈjuːlədʒi/	praise, acclaim, compliment, tribute, <u>encomium</u> , <u>panegyric</u> , <u>paean</u>	تعریف، مدح، ستایش

کلمه	مترادف	ترجمه
evade /ɪ'veɪd/	escape, avoid, elude	شانه خالی کردن؛ طفره رفتن
evaluate /ɪ'veæljuert/	assess, gauge, rate, <u>appraise</u> ; estimate	ارزیابی کردن؛ تخمین زدن
evaporate /ɪ'vepəreit/	dry out, desiccate	تبخیر کردن؛ ناپدید شدن
everlasting /,evə'læstɪŋ/	endless, infinite, eternal, <u>perpetual</u> ; continual, constant, persistent, incessant, <u>relentless</u> , <u>interminable</u> , <u>perennial</u>	پایدار، همیشگی، جاویدان
exacerbate /ɪg'zæsərbeɪt/	worsen, compound, aggravate; increase, <u>augment</u>	شدید کردن، بیشتر کردن، بدتر کردن
exaggerate /ɪg'zædʒəreit/	overstate, magnify, aggrandize, inflate; <u>embellish</u>	مبالغه کردن، اغراق گفتن
excavate /'ɛkskəveɪt/	dig up, unearth	کندن، حفر کردن
excel /ɪk'sel/	surpass, outdo, transcend	پیشی گرفتن، بهتر بودن
excessive /ɪk'sesɪv/	lavish, extravagant; <u>superfluous</u> ; extreme, <u>exorbitant</u>	گزافه، بیش از حد، زیادی
excoriate /ɪk'skɔ:riɪt/	criticize, <u>berate</u> , <u>rebuke</u> , <u>admonish</u> , <u>reproach</u> , <u>castigate</u>	پوست کندن؛ سخت انتقاد کردن
exempt /ɪg'zempt/	excuse, exclude, grant immunity, <u>absolve</u> , <u>exonerate</u>	معاف کردن، مستثنی کردن، بخشودن
exhort /ɪg'zɔ:rt/	urge, encourage; appeal to, <u>entreat</u> , <u>implore</u> ; <u>adjure</u>	آگاهاندن، تشویق و ترغیب کردن، برحذر کردن یا داشتن
exotic /ɪg'zɔ:tɪk/	unusual, unconventional, extravagant, <u>outlandish</u>	غریبه، بیگانه؛ کم نظیر
expedite /'ɛkspədaɪt/	hasten, quicken, accelerate, <u>precipitate</u> ; facilitate	تسریع کردن، شتاباندن، تسهیل کردن

Fast Reading

واژگان مهم آزمونهای زبان

کلمه	مترادف	ترجمه
extinction /ɪk'stɪŋkʃən/	destruction, <u>obliteration</u> , <u>eradication</u> , <u>annihilation</u>	انقراض، نابودی؛ انهدام
fallacious /fə'leɪʃəs/	incorrect, flawed, inaccurate, invalid, <u>erroneous</u> ; <u>fabricated</u> , <u>specious</u> , <u>spurious</u> , <u>bogus</u> , <u>fictitious</u>	غلط، مغلطه‌آمیز، اشتباه، وهم‌انگیز
feeble /'fi:bəl/	weak, delicate, fragile, <u>frail</u>	نحیف، سست، ناتوان، ضعیف
fertile /'fɜ:rtl/	fruitful, productive, <u>fecund</u>	بارور، حاصلخیز
flamboyant /flæm'boɪənt/	vivid, vivacious, ostentatious, <u>exuberant</u> ; showy, <u>gaudy</u>	پرزرق و برق، جلف و خودنمایانه
flee /fli:/	escape, <u>abscond</u>	فرار کردن، دررفتن، دوری کردن
flippant /'flɪpənt/	disrespectful, impudent, <u>impertinent</u> ; <u>facetious</u> , <u>frivolous</u>	گستاخ و شوخ، [منفی] شوخی‌آمیز
flourish /'flʌ:ʃɪʃ/	bloom, blossom; grow, thrive, prosper, <u>burgeon</u> , <u>proliferate</u> ; prosper	شکوفه دادن؛ رونق گرفتن
foster /'fɔ:stər/	promote, enrich; bring up, raise, <u>nurture</u>	پرورش دادن؛ رواج دادن
fracas /'freɪkəs/	struggle, clash, disturbance, brawl, skirmish, <u>scuffle</u> , <u>altercation</u>	کتک‌کاری، جنگ و دعوا، زد و خورد، کلنجار
frank /fræŋk/	direct, plain, straightforward; open, honest, sincere; blunt; clear, obvious, patent, manifest, evident; <u>blatant</u>	بی‌پرده، بی‌رودربایستی؛ رک؛ آشکار، صریح
frantic /'fræntɪk/	anxious, agitated; wild, frenetic, desperate	سراسیمه، بی‌تاب؛ دیوانه
fraught with /frɒ:t/	full of, filled with, <u>rife with</u>	آکنده از، مملو از
frigid /'frɪdʒəd/	cold, freezing, icy, chilly	(بسیار) سرد، منجمد، یخ‌زده

کلمه	مترادف	ترجمه
frugal /'fru:gəl/	stingy, thrifty, miserly, <u>parsimonious</u> , <u>niggardly</u> ; abstinent, austere, ascetic	صرفه‌جو، مقتصد
gallant /'gælənt/	brave, bold, fearless, daring, courageous, valiant, intrepid, <u>mettlesome</u> , <u>valorous</u> , <u>audacious</u> ; respectful	دل‌آور، نجیب‌زاده و شجاع؛ مؤدب (نسبت به زنان)، جنتلمن
gesticulate /dʒes'tɪkjʊleɪt/	gesture	(با سر و دست) اشاره کردن
glimpse /glɪmps/	quick look; glance, <u>peek</u>	نگاه اجمالی کردن، اجمالاً دیدن
gloomy /'glu:mi/	dark, shadowy, dim, somber, dismal; <u>despondent</u>	گرفته؛ محزون، افسرده
habitat /'hæbɪtæt/	home, domain	زیستگاه، بوم
harbor /'hɑ:rbər/	shelter, refuge, <u>haven</u> ; contain	پناهگاه؛ بندرگاه؛ (در دل) داشتن
harsh /hɑ:rʃ/	hard, severe, strict, tough, firm, stern, rigorous; cruel, brutal	خشن، زمخت؛ [مزه] تلخ، تند؛ ناخوشایند، سخت؛ بی‌رحم
heterogeneous /,hetəroʊ'dʒi:niəs/	different, diverse, disparate, miscellaneous, <u>assorted</u>	[از نظر ساختمان و نوع و...] ناهمگن، نامتجانس؛ متنوع
hinder /'hɪndər/	stop, halt, obstruct, impede, hamper, <u>inhibit</u> , <u>retard</u> , <u>stymie</u> , <u>thwart</u> , <u>curb</u> ; restrict, constrain, <u>curtail</u> , <u>frustrate</u>	بازداری کردن، جلوگیری کردن، مانع شدن
ignite /ɪg'naɪt/	set on fire, <u>kindle</u>	افروختن، آتش زدن یا گرفتن
ignore /ɪg'no:ɪr/	overlook, neglect, disregard; slight, snub, <u>shun</u>	نادیده انگاشتن، کم‌محلی کردن به، اعتنا نکردن
illegal /ɪ'li:gəl/	unlawful, illegitimate, <u>illicit</u> ; unauthorized; forbidden, prohibited, <u>proscribed</u>	غیرقانونی، نامشروع، غیرمجاز
imbibe /ɪm'baɪb/	drink, gulp (down), quaff; absorb, <u>assimilate</u>	نوشیدن، آشامیدن؛ (در فکر خود) پذیرفتن

کلمه	مترادف	ترجمه
immortal /ɪ'mɔ:rtl/	deathless, eternal; <u>indestructible, immutable</u>	جاودان، فناپذیر
impair /ɪm'per/	damage, harm; hinder; undermine; <u>vitiate</u>	آسیب؛ معیوب یا ناقص کردن
impartiality /ɪm'pɑ:rfələti/	objectivity, indifference	بی طرف، بی نظر، بی غرض
impasse /'ɪmpæs/	dead end, deadlock	بن‌بست؛ گرفتاری سخت
impeccable /ɪm'pekəbl/	faultless, flawless, spotless, exemplary, <u>immaculate</u> ; sinless	پاک، معصوم، بیگناه؛ بی کم و کاست، بی عیب و نقص، کامل
impede /ɪm'pi:d/	obstruct, <u>hinder, encumber</u>	جلوگیری کردن، مانع شدن
implicate /'ɪmpləkert/	involve, <u>incriminate</u>	شریک جرم دانستن، متهم کردن
implication /ɪmplə'keɪʃən/	suggestion, inference, hint, result, consequence, <u>ramification, repercussion,</u> <u>reverberation</u> ; involvement, <u>incrimination</u>	معنی (ضمنی)، دلالت؛ اتهام
impress /ɪm'pres/	affect, stir, rouse, inspire; amaze, astonish	تحت تأثیر قرار دادن، اثر گذاشتن
improvident /ɪm'prə:vədənt/	wasteful, extravagant, <u>prodigal, spendthrift,</u> <u>profligate; imprudent</u>	ولخرج؛ بی فکر، نآینده‌نگر
incarcerate /ɪn'kɑ:rsəreɪt/	imprison, jail, confine, hold, <u>intern, detain</u>	زندانی کردن، حبس کردن؛ محدود کردن
inconclusive /ɪnkən'klu:sɪv/	indecisive; indefinite, indeterminate, debatable; vague, ambiguous	پادروا، غیرقاطع؛ مبهم
incriminate /ɪn'krɪmɪneɪt/	involve, <u>implicate</u> ; accuse; entrap	متهم کردن، گناه بستن (به)
incumbent /ɪn'kʌmbənt/	essential, imperative; vital, compulsory, obligatory, crucial, <u>mandatory</u> ; holder, occupant	ضروری، بایسته؛ عهده‌دار؛ متصدی، شاغل

کلمه	مترادف	ترجمه
indiscriminate /ˌɪndɪ'skrɪmɪnət/	aimless, random, haphazard; unthinking, casual	درهم و برهم، آشفته
indolent /'ɪndələnt/	lazy, inactive, inert, <u>slothful</u> , <u>sluggardly</u> , <u>lackadaisical</u> , <u>languid</u> , <u>sluggish</u> , <u>lethargic</u> , <u>apathetic</u> , <u>torpid</u> ; negligent, <u>lax</u>	تنبل، تن آسا؛ سستی آور
inefficacy /ˌɪnɛfɪ'keɪʃəs/	inability to produce the desired results	بی تأثیری، بی اثری
inept /ɪ'nept/	unskillful, inexpert, incompetent; awkward, <u>maladroit</u> ; unsuccessful	بی عرضه، نالایق، بی کفایت؛ ناجور، نامناسب
ingenuous /ɪn'dʒenjuəs/	innocent, naive; frank, candid; inexperienced	شریف، نیک سرشت؛ صاف و ساده، بی ریا، ساده دل
inhabit /ɪn'hæbɪt/	live in, occupy; settle (in), populate; dwell in, reside in	ساکن بودن در، سکونت گزیدن در
inherent /ɪn'hɪərənt/	inborn, innate, <u>immanent</u> , <u>intrinsic</u> ; basic, fundamental; native, <u>congenital</u>	درون زاد، نهادی؛ فطری، اساسی
inimical	harmful, injurious, <u>pernicious</u> , <u>noxious</u> , <u>detrimental</u>	مضر؛ دشمن وار، خصم آمیز
innocuous /ɪ'nɔ:kjuəs/	harmless, safe, innocent; edible, eatable	بی ضرر، بی خطر، بی زیان
insolent /'ɪnsələnt/	rude, impolite, <u>impudent</u> , <u>impertinent</u>	گستاخ، وقیح، بی حیا
instigate /'ɪnstɪɡeɪt/	encourage, persuade, urge, motivate, provoke, stimulate, prompt, arouse, induce, incite	[به ویژه برای کارهای بد] برانگیختن، اغوا کردن
inundate /'ɪnʌndeɪt/	flood, deluge, overwhelm, <u>submerge</u>	سیل گرفتن، زیر آب بردن
intrusion /ɪn'tru:ʒən/	interference; disruption	پیش رانی، دخالت؛ مزاحمت

کلمه	مترادف	ترجمه
intuitive /ɪn'tu:ətɪv/	instinctive, intuition; innate, <u>inherent</u>	درون یافتی، شهودی
invaluable /ɪn'væljəbəl/	crucial, critical, vital, indispensable; precious	لازم؛ پرارزش، گران بها
irrelevant /ɪ'relɪvənt/	unrelated, unconnected, extraneous, <u>impertinent</u> , <u>not germane</u> , <u>peripheral</u> , <u>inapposite</u> ; unimportant, insignificant, trivial	نامربوط، بی ربط
itinerant /aɪ'tɪnərənt/	traveling, wandering, vagrant, <u>peripatetic</u> , <u>nomadic</u> , <u>vagabond</u> ; migrant	سیار، دوره گرد
jealous /'dʒeləs/	desirous, envious, <u>covetous</u> ; resentful, <u>begrudging</u>	حسود، رشکمند؛ غیرتمند
jolly /'dʒɔ:li/	happy, merry, joyful, <u>joyous</u> , <u>exuberant</u> , <u>ebullient</u> , <u>jocund</u> , <u>jocose</u> ; <u>blithe</u>	شنگول، خوش و خرم، شاد، سرحال
judicious /dʒu:'dɪʃəs/	smart, intelligent, sharp, keen, sensible, discerning, prudent, acute, shrewd, astute, <u>sagacious</u> , <u>percipient</u> , <u>perspicacious</u>	عاقل، دارای قضاوت درست، مدبر، باتدبیر، بادرایت
laconic /lə'kɔ:nɪk/	quiet, silent, reserved, <u>reticent</u> , <u>taciturn</u> ; concise, <u>terse</u> , <u>succinct</u>	کم حرف
lament /lə'ment/	mourn, grieve, sorrow	سوگواری / گریه و زاری کردن
laudatory /'ləʊdətɔ:ri/	praising, complimentary, <u>extolling</u> , <u>adulatory</u> , <u>commendatory</u> , <u>approbatory</u>	ستایش آمیز، ستایشگرانه
lethal /'li:θəl/	deadly, fatal; poisonous; dangerous, <u>pernicious</u> ; <u>baneful</u>	مرگبار، مهلک

کلمه	مترادف	ترجمه
lethargy /'leθərdʒi/	laziness, passivity, weariness, <u>inertia</u> , <u>torpor</u> , <u>torpidity</u> , <u>listlessness</u> , <u>languidness</u> , <u>sluggishness</u> , <u>indolence</u> , <u>sloth</u> , <u>apathy</u> , <u>lassitude</u> , <u>fatigue</u>	خوابناکی، رخوت، افسردگی؛ بی حالی، بی علاقه‌گی
loyalty /'lɔɪəlti/	faithfulness, obedience, devotion, dedication, allegiance, <u>adherence</u> , <u>homage</u>	وفاداری، باوفایی، صداقت
lucid /'lu:sɪd/	simple, cogent, coherent, articulate; clear; plain	واضح، شفاف؛ منسجم؛ منطقی
ludicrous /'lu:dɪkrəs/	absurd, stupid, silly, ridiculous, foolish, insane, <u>idiotic</u> , <u>inane</u> , <u>asinine</u> , <u>risible</u> , <u>preposterous</u>	خنده‌آور (از شدت پوچی، بیهودگی، بدی و غیره)، مستخره‌آمیز، مضحک
lunatic /'lu:nəɪk/	madman, maniac, <u>imbecile</u>	دیوانه، مجنون
magnanimous /mæg'næɪməs/	generous, benevolent, <u>altruistic</u> , <u>philanthropic</u> ; <u>forgiving</u> , <u>lenient</u>	بزرگوار، بلندهمت، گشاده‌دست، بخشنده
maim /meɪm/	injure, impair, disfigure, deform, <u>incapacitate</u> , <u>mutilate</u>	معلول کردن، چلاق کردن، ناتوانمند کردن
maintain /meɪn'teɪn/	preserve, conserve, retain, sustain, <u>perpetuate</u>	حفظ کردن، نگهداری کردن
malevolent /mə'levələnt/	hostile, vicious, <u>malignant</u> , <u>malicious</u> , <u>vindictive</u> , <u>baleful</u>	بدخواه، بدجنس، بدنهاد، نابکار
manipulate /mə'nɪpjələɪt/	work, operate; exploit, direct; interfere with, <u>tamper with</u>	(با دست) به کار بردن؛ دغل کاری کردن
mediate /'mi:diət/	moderate, <u>conciliate</u> ; intervene, <u>intercede</u> ; settle, resolve	میانجی‌گری کردن، آشتی دادن، وساطت کردن

کلمه	مترادف	ترجمه
menace /'menəs/	danger, peril, hazard, threat; <u>jeopardy</u> ; ominousness, intimidation; annoyance, torment, <u>nuisance</u>	خطر؛ تهدید، ارباب
merit /'merət/	worth, virtue, distinction; value, advantage, benefit, asset	شایستگی، استحقاق؛ خوبی
meticulous /mə'tɪkjələs/	accurate, painstaking, conscientious, <u>diligent</u> , <u>scrupulous</u> , <u>punctilious</u> ; studious, <u>fastidious</u>	موشکاف، دقیق و پایبند جزئیات، وسواسی
mitigation /,mɪtə'geɪʃən/	reduction, relief, alleviation, <u>diminution</u> , <u>palliation</u>	تخفیف؛ تسکین
molest /mə'lest/	harass, abuse, assault	اذیت کردن، مزاحم شدن
morbid /'mɔ:rbɪd/	unhealthy, gloomy, dismal, <u>morose</u> , <u>sullen</u>	بیمارگونه، ناخوش؛ مرگ‌اندیش؛ مخوف؛ گرفته
moribund /'mɔ:rəbʌnd/	dying; waning, <u>stagnating</u>	مردنی، نزدیک به مرگ؛ روبه‌زوال، ناپویا
multitude /'mʌltətʊ:d/	mass, swarm; crowd, <u>throng</u>	کثرت، زیادی، انبوهی؛ جمعیت
mundane /mʌn'deɪn/	uninteresting, routine, ordinary; worldly, earthly	عادی، معمولی، پیش پا افتاده؛ دنیوی، این جهانی
mutation /mju:'teɪʃən/	variation, modification, transformation, <u>metamorphosis</u>	تغییر؛ جهش
nefarious /nə'feriəs/	evil, <u>iniquitous</u> , <u>egregious</u> , <u>atrocious</u> , <u>abominable</u> , <u>diabolical</u> ; villainous	نابکار، بدجنس، بدکار، شرور
nomad /'nəʊmæd/	migrant, wanderer, <u>itinerant</u>	چادرنشین، کوچ‌گر؛ خانه بدوش
nonchalant /,nɔ:nʃə'la:nt/	calm, composed; indifferent, <u>blasé</u> , <u>dispassionate</u> , <u>apathetic</u>	بی‌علاقه؛ بی‌تفاوت

کلمه	مترادف	ترجمه
obedient /ə'bi:diənt/	dutiful, tame, <u>docile</u> , <u>deferential</u> ; compliant, tractable, <u>amenable</u> , <u>malleable</u> , <u>pliable</u> , <u>pliant</u> , <u>acquiescent</u>	فرمانبردار، مطیع، سر به زیر
obesity /oo'bi:səti/	fatness, <u>corpulence</u>	(مرض) چاقی
oblivion /ə'blɪviən/	forgetfulness	فراموشی، نسیان
obsolete /,ɑ:bsəl'i:t/	outdated; ancient, antiquated, archaic, <u>antediluvian</u>	مهمجور، کنار گذاشته شده، متروک، بلااستفاده
obtain /əb'teɪn/	get, acquire , come by, <u>procure</u> ; gain, earn, achieve, attain	کسب کردن، فراهم آوردن
obviate /'ɑ:bviət/	prevent, remove, get rid of, eliminate, <u>preclude</u>	برطرف کردن، رفع کردن
obvious /'ɑ:bviəs/	clear, evident, manifest, apparent, <u>conspicuous</u>	آشکار، واضح، روشن، بدیهی، مشهود
odious /'oʊdiəs/	awful, nasty, <u>repulsive</u> , <u>repellent</u> , <u>disgusting</u> , <u>repugnant</u> , <u>execrable</u> , <u>abominable</u> , <u>atrocious</u> , <u>obnoxious</u>	نفرت انگیز، بیزارکننده
omnipotent /ɑ:m'nɪpətənt/	almighty; <u>invincible</u>	قادر متعال، قادر مطلق
onus /'oʊnəs/	duty, responsibility, obligation	وظیفه، بار (مسئولیت)
optimism /'ɑ:ptəmɪzəm/	sanguinity ≠ pessimism	خوش بینی
ostensible /ɑ:'stensəbl/	showy, decorated, <u>embellished</u> , <u>adorned</u> , <u>ornamented</u> , <u>ostentatious</u>	نشان دانی، وانمودین
outburst /'aʊtbʊ:rst/	explosion, outbreak, flood, <u>surge</u>	برونداد، فوران، طغیان، انفجار
pacify /'pæsɪfaɪ/	soothe, <u>appease</u> , <u>placate</u> , <u>propitiate</u> , <u>assuage</u> , <u>mollify</u>	آرام کردن، دلجویی کردن
panacea /,pænə'si:ə/	remedy, solution	نوش دارو، علاج قطعی

Fast Reading

واژگان مهم آزمون‌های زبان

کلمه	مترادف	ترجمه
partial /'pɑ:rfəl/	prejudiced, biases, <u>bigoted</u> ; incomplete	سوگیر، جانبدار؛ علاقمند؛ جزئی
pariah /pə'raɪə/	outcast, exile	آدم طرد شده، آدم منفور
penetrate /'penətreɪt/	pierce, permeate	نفوذ کردن، رسوخ کردن، رخنه کردن
penitent /'penɪtənt/	regretful, remorseful	پشیمان، نادم، توبه‌کار
pensive /'pensɪv/	thoughtful, reflective, contemplative, <u>ruminative</u>	در فکر، اندیشناک، محزون
perjury /'pɜ:rdʒəri/	giving false evidence/testimony, <u>fabrication</u>	[دادگاه] شهادت دروغ، گواهی دروغ، دروغ عمدی
peruse /pə'ru:z/	examine, scan, <u>scrutinize</u>	(به‌دقت) خواندن
phlegmatic /fleg'mætɪk/	calm, composed	متین، آرام
pinpoint /'pɪnpɔɪnt/	determine, locate, recognize	مورد تأکید قرار دادن
plagiarize /'pleɪdʒəraɪz/	copy	سرقت ادبی کردن
plausible /'plɑ:zəbl/	acceptable, possible, reasonable, <u>feasible</u> ; rational, logical	محتمل، شدنی
posthumous /'pɑ:stʃəməs/	after death	وابسته به پس از مرگ
ponder /'pɑ:ndər/	think about, contemplate, reflect on, chew over, <u>ruminat</u> <u>on</u>	به فکر فرورفتن
posit /'pɑ:zət/	theorize, hypothesize, propose, <u>propound</u> , <u>postulate</u> ; put	فرض کردن؛ قرار دادن
postpone /pəʊs'pəʊn/	delay, put off, <u>defer</u> , <u>adjourn</u>	به تعویق انداختن
postulate /'pɑ:stʃələɪt/	suggest, propose, <u>posit</u> ; assume, presuppose, presume	اصل قرار دادن، مبنا قرار دادن
precedent /'presədənt/	example, prior instance/example	مقدم؛ سابقه

کلمه	مترادف	ترجمه
precocious /prə'kəʊʃəs/	mature, gifted, talented, clever	پیشرفته‌تر از سن خود، پیش‌رس
precursor /pri'kɜ:rsər/	forerunner, pioneer, antecedent; <u>harbinger</u> , <u>herald</u>	پیشگام، جلودار
predetermined /,pri:di'tɜ:rmənd/	established in advance, <u>preset</u> ; <u>predestined</u>	(از قبل) مشخص شده
predict /pri'dikt/	forecast, anticipate, <u>prognosticate</u>	پیشگویی / پیش‌بینی کردن
prejudice /'predʒədəs/	bias, prejudgment, <u>bigotry</u> , <u>partiality</u> , <u>predisposition</u>	پیش‌داوری (معمولاً منفی)، تعصب، غرض
prerequisite /pri:'rekwəzət/	necessary condition, <u>precondition</u>	پیش‌نیاز
prevalent /'prevələnt/	common, widespread, commonplace, <u>rife</u> , <u>predominant</u> , <u>prevailing</u> , <u>rampant</u>	رایج، گسترده
probe /prəʊb/	look into, investigate, <u>scrutinize</u>	بررسی کردن؛ معاینه کردن
proceed /prə'si:d/	carry on, go on, continue	(پس از توقف) ادامه دادن
proclaim /prə'kleɪm/	announce, state, declare, <u>decree</u> , <u>promulgate</u>	اعلام کردن
procrastinate /prəʊ'kræstɪnət/	postpone, delay action, <u>be</u> <u>dilatory</u>	تعلل کردن
profitable /'prɔ:fɪtəbl/	thriving, useful, advantageous, beneficial, <u>lucrative</u>	پرمفعت، سودآور
profound /prə'faʊnd/	deep; reflective; complete	عمیق؛ [اندیشه] پرمحتوا؛ کامل؛ اساسی
prohibit /prəʊ'hɪbət/	forbid, ban, disallow, <u>proscribe</u>	ممنوع کردن، قدغن کردن
proliferate /prə'ɪfəreɪt/	grow rapidly, multiply, flourish, thrive, <u>escalate</u> , <u>burgeon</u>	پر بار شدن؛ تکثیر یافتن
prolific /prə'ɪfɪk/	creative, productive, fertile	بارور، پر بار، پرکار
propagate /'prɔ:pəgeɪt/	spread, <u>disseminate</u> ; <u>promulgate</u>	پروراندن؛ پخش کردن
propound /prə'paʊnd/	suggest, offer, propose	پیشنهاد کردن، مطرح کردن

Fast Reading

واژگان مهم آزمونهای زبان

کلمه	مترادف	ترجمه
prosecute /'pra:sɪkju:t/	pursue; charge, accuse, <u>indict</u> , <u>arraign</u>	دنبال کردن؛ [قانون] تحت پیگرد قرار دادن
puberty /'pju:bɜ:ti/	adolescence, sexual maturity	بلوغ
pursue /pər'su:/	follow, chase	پیگیری کردن، دنبال کردن
qualify /'kwɑ:ləfaɪ/	be eligible, be licensed	واجد شرایط بودن یا کردن
quench /kwentʃ/	satisfy, <u>satiate</u> , <u>sate</u>	[تشنگی] فرونشاندن
raise /reiz/	lift, elevate; increase; bring up, nurture, rear	بلند کردن؛ زیادتر کردن؛ پرورش دادن، تربیت کردن
rash /ræʃ/	hasty, reckless, <u>impulsive</u> , <u>impetuous</u> , <u>precipitate</u> ; careless, heedless, <u>imprudent</u>	[حرف یا عمل] شتابزده، نسنجیده، بی ملاحظه، بی پروا
recline /rɪ'klaɪn/	lie back, lean back; relax, <u>repose</u>	لمبیدن، دراز کشیدن؛ استراحت کردن
rectify /'rektəfaɪ/	correct, remedy, <u>amend</u>	اصلاح کردن، تصحیح کردن
refrain /rɪ'freɪn/	avoid, <u>eschew</u> , <u>shun</u> , <u>abstain</u> , <u>renounce</u> , <u>desist</u>	(با from) خودداری کردن، اجتناب کردن
refute /rɪ'fju:t/	disprove; deny, reject, <u>repudiate</u> , <u>rebut</u>	(با دلیل) رد کردن؛ نپذیرفتن
remit /rɪ'mɪt/	cancel, suspend, revoke; pay; decrease, diminish	بخشیدن، معاف کردن؛ [بدهی] بازپرداخت کردن
remnant /'remnənt/	remainder, leftovers, residue	پس مانده، بقایا
replenish /rɪ'plenɪʃ/	refill, recharge	دوباره پر / تکمیل کردن
rescind /rɪ'sɪnd/	cancel, invalidate, <u>repeal</u> , <u>annul</u> , <u>void</u> , <u>retract</u> ; <u>abrogate</u>	فسخ کردن، لغو کردن، باطل کردن
resemblance /rɪ'zembləns/	similarity, likeness, conformity	همانندی، تشابه
resent /rɪ'zent/	dislike, detest, <u>begrudge</u>	خوش نداشتن، رنجیدن، دلخور شدن / بودن
resign /rɪ'zaɪn/	leave, quit; vacate	استعفا دادن، صرف نظر کردن

کلمه	مترادف	ترجمه
resort (to) /rɪ'zɔ:rt/	make use of, use, employ	متوسل شدن (به)
retain /rɪ'teɪn/	keep, preserve, maintain	نگهداشتن، از دست ندادن
retrieve /rɪ'tri:v/	bring back, regain, recover, <u>recoup</u> , <u>redeem</u> , <u>recuperate</u>	بازیافتن، بازیابی کردن
retrospective /,retrə'spektɪv/	reflective	گذشته نگرانه، پس نگرانه
reveal /rɪ'vi:l/	disclose, expose, <u>divulge</u>	آشکار کردن، نشان دادن
revive /rɪ'vaɪv/	refresh, restore, recover, <u>revitalize</u> , <u>rejuvenate</u>	(دوباره) زنده کردن، احیا کردن
ruthless /'ru:θləs/	pitiless, cruel, merciless, <u>callous</u> ; inflexible, <u>implacable</u> ; savage, brutal	سنگدل، بی رحم؛ سرسخت
sanguine /'sæŋɡwɪn/	hopeful, optimistic	خوش بین، امیدوار
scandal /'skændl/	shame, disgrace, outrage, <u>ignominy</u> ; <u>defamation</u> , <u>libel</u> , <u>calumny</u>	رسوایی، ننگ، بدنامی
scrutiny /'skru:təni/	examination, inspection	موشکافی، ژرف نگری
sedentary /'sedəntəri/	sitting, seated; inactive	نشسته، مستلزم نشستن زیاد
shield /ʃi:ld/	protect, cover, screen; save, safeguard, preserve, defend	دفاع کردن، محافظت کردن
shrink /ʃrɪŋk/	lessen, reduce, decrease, diminish, dwindle, decline	کاهش یافتن، کم شدن
skeptical /'skeptɪkəl/	doubtful, cynical	شکاک، تردیدگرایی
slander /'slændər/	malicious gossip, denigration, <u>libel</u> , <u>obloquy</u> ; smear, <u>besmirch</u> , <u>taint</u> , <u>tarnish</u> ; malign, <u>disparage</u> , <u>denigrate</u> , <u>vilify</u>	افترا، تهمت؛ افترا زدن، تهمت زدن
solicit /sə'lsɪt/	ask, beg, demand, plead with, appeal to, <u>entreat</u> , <u>implore</u> , <u>petition</u> , <u>importune</u> , <u>supplicate</u>	تقاضا کردن، التماس کردن

Fast Reading

واژگان مهم آزمونهای زبان

کلمه	مترادف	ترجمه
spawn /spɔ:n/	generate, engender, originate; cause, lead to, result in, initiate, <u>induce</u> , <u>trigger</u>	[با مفهوم منفی] موجب شدن، به وجود آوردن
spontaneous /spɔ:ɑ:n'teɪniəs/	unplanned, <u>impulsive</u> , <u>impromptu</u> , <u>extemporaneous</u>	خودجوش، فی‌البداهه، بلامقدمه
sporadic /spə'rædɪk/	infrequent, irregular, periodic, scattered; <u>intermittent</u> , <u>erratic</u>	پراکنده، متفرق، منقطع، ناپیوسته
stimulation /,stɪmjʊ'leɪʃən/	motivation, inspiration, impulse	انگیزش، تحریک
sociable /'səʊjəbl/	friendly, warm, <u>affable</u> , <u>gregarious</u> , <u>convivial</u> , <u>amicable</u> , <u>cordial</u> , <u>genial</u> ; outgoing	اجتماعی، معاشرتی؛ مهربان، دوست‌داشتنی، خونگرم
strive /straɪv/	attempt, endeavor, venture; struggle, fight, battle	(سخت) کوشیدن، تقلا کردن
surplus /'sɜ:rləs/	excess, glut, <u>surfeit</u> , <u>plethora</u> ; extra, additional; unwanted, redundant, <u>superfluous</u>	اضافه، مازاد، باقیمانده؛ اضافی
survive /sər'vaɪv/	live, get through; remain, persist, endure, live on, persevere; outlive	جان به در بردن، زنده ماندن
susceptible /sə'septəbəl/	subject to, prone to, liable to; <u>vulnerable to</u>	مستعد؛ آسیب‌پذیر
tacit /'tæsət/	understood, implied, implicit; unspoken ≠ explicit	ضمنی، تلویحی
tendency /'tendənsi/	inclination, disposition, <u>proclivity</u> , <u>penchant</u> , <u>predilection</u> , <u>affinity</u> , <u>susceptibility</u> , <u>propensity</u> ; bias	گرایش، تمایل، میل، رغبت
tenet /'tenət/	principle, belief, <u>doctrine</u> , <u>dogma</u> ; theory, thesis, conviction, idea	اصل، مبنا، انگاره
trace /treɪs/	find, discover, detect, unearth	دنبال کردن، پی‌جویی کردن
transient /'trænjnt/	brief, passing, temporary, impermanent, <u>fleeting</u> , <u>transitory</u> , <u>ephemeral</u> , <u>fugitive</u> , <u>evanescent</u>	ناپایدار، موقتی؛ زودگذر

کلمه	مترادف	ترجمه
tremendous /tri'mendəs/	huge, enormous, immense, bulky, massive, vast, gigantic, giant, mammoth, <u>prodigious</u> , <u>colossal</u>	عظیم؛ مهیب، هراس انگیز
trifle /'traɪfəl/	nothing, trivial thing, <u>bagatelle</u> ; small amount; <u>pittance</u>	چیز کم اهمیت، امر جزئی، ناچیز؛ کم، یک ذره
trigger /'trɪgər/	prompt, provoke	انگیزاندن، موجب شدن
trim /trɪm/	decorate, adorn, <u>ornament</u> , <u>embellish</u> , <u>garnish</u> ; shorten, abbreviate, <u>abridge</u> , <u>truncate</u>	آراستن، تزئین کردن؛ مختصر کردن
trite /traɪt/	commonplace, clichéd, <u>banal</u> , <u>vapid</u> , <u>hackneyed</u>	مبتذل، پیش پا افتاده، بی مزه، خالی از لطف و تازگی
ubiquitous /ju:'bɪkwətəs/	everywhere, <u>omnipresent</u>	همه جا حاضر
unambiguous /,ʌnæm'bigjuəs/	clear, evident, <u>unequivocal</u>	واضح، نامبهم
unanimous /ju:'nænəməs/	agreed, united	به اتفاق آرا؛ هم رأی
unruly /ʌn'ru:li/	wild, disorderly, <u>disobedient</u>	سرکش، لگام ناپذیر، نافرمان
unscrupulous /ʌn'skru:pjələs/	conscienceless, shameless, corrupt, dishonest	بی وجدان، [اخلاقی] بی پروا
urgent /'ɜ:rdʒənt/	persistent, earnest; pressing, critical, intense, extreme, <u>dire</u>	سمج، [نیاز و غیره] مبرم؛ فوری
utilize /'ju:təlaɪz/	use, make use of	بکار بردن
vacant /'veɪkənt/	empty, unoccupied, available; uninhabited; blank, <u>vacuous</u>	تهی، خالی
vague /veɪg/	unclear, indistinct, indefinite; hazy, dim, obscure, <u>nebulous</u> ; rough, inexact, <u>imprecise</u> , <u>ambiguous</u> , <u>equivocal</u> ; uncertain	مبهم، نامشخص، گنگ، سر بسته
vacillate /'væslɪet/	hesitate, waver, <u>fluctuate</u> , <u>oscillate</u>	دودل بودن؛ نوسان کردن؛ تلو تلو خوردن
verbose /vər'boʊs/	talkative, wordy, <u>voluble</u> , <u>garrulous</u> , <u>loquacious</u> ; lengthy	دارای اطناب، طولانی، درازگویانه؛ درازگویی

کلمه	مترادف	ترجمه
verdict/ 'vɜ:rdɪkt/	decision, <u>decree</u> , <u>edict</u> , <u>fiat</u>	[حقوق] حکم، رأی
vicinity /və'sɪnəti/	neighborhood, locale, region, zone; surroundings	نزدیکی، مجاورت؛ همسایگی
vindicate /'vɪndɪkeɪt/	clear, <u>acquit</u> , <u>absolve</u> , <u>exonerate</u> ; free, discharge, <u>exculpate</u>	رفع اتهام کردن؛ توجیه کردن
violate /'vaɪəleɪt/	break, <u>transgress</u> , <u>flout</u> ; damage, <u>vandalize</u>	[قانون] زیر پا گذاشتن، نقض کردن
volatile /'vɒ:lətaɪl/	changeable, variable, inconsistent, unstable, <u>erratic</u> , <u>mutable</u> ; <u>capricious</u> , <u>whimsical</u> , <u>fickle</u>	متغیر، بی‌ثبات، دگرگونی‌پذیر
vulnerable /'vʌlnərəbəl/	helpless, <u>susceptible</u>	آسیب‌پذیر؛ مستعد؛ حساس

خرید پستی مجموعه کتاب‌های **فست** با تخفیف ویژه و ارسال رایگان به سراسر کشور از:

وبسایت **www.FastZaban.com**

خرید حضوری در نمایندگی‌های انتشارات جنگل و کتابفروشی‌های معتبر در سراسر کشور

✓ کانال تلگرامی آموزش و مشاوره رایگان استاد **مهرداد زنگیه‌وندی**:

t.me/FastZaban

از همین مؤلف:

کتاب Fast Grammar (گرامر جامع آزمون‌های زبان) (ویرایش سوم-چاپ ششم)

❖ پس از استقبال گرم زبان آموزان عزیز، چاپ جدید ویرایش دوم کتاب

Fast Grammar تألیف

مهرداد زنگیه‌وندی در دو رنگ و ۲۸۰ صفحه به بازار آمد...

کامل‌ترین منبع آزمون‌های زبان

✓ با بیش از ۷۰۰ تست و سؤالات واقعی آزمون‌های MSRT، EPT، MHLE، ارشد و دکتری همه رشته‌ها تا خرداد ۹۷ با پاسخ کاملاً تشریحی و تحلیل همه گزینه‌ها ...

شامل:

- ✓ آموزش کامل نکات به زبان ساده در ۱۶ بخش
- ✓ مباحث و تست‌های کتاب‌های تافل لانگمن، تافل بارونز و Kit با پاسخ کاملاً تشریحی
- ✓ آموزش گرامر از طریق کالبدشکافی اجزا جمله مانند فاعل، فعل، مفعول، صفت، قید، ... و نشانه‌های تشخیص ساده آنها در جمله و جایگاه و ترتیب قرار گرفتن آنها در جمله
- ✓ تست‌های مباحثی و جامع هدفمند
- ✓ مشخص کردن مباحث مهم آزمون
- ✓ نکات تست‌زنی سریع‌تر بصورت ابداعي و انحصاری که در کتاب‌های مشابه نخواهید دید...
- ✓ تست‌های منتخب از مباحث پرتکرار آزمون‌ها
- ✓ قرار دادن مباحث به ترتیبی که یک سیر آموزشی منسجم، هدفمند و آکادمیک دنبال می‌شود
- ✓ آموزش پسوندهای کلمه و نحوه استفاده از آنها برای پاسخ صحیح به سؤالات

و...

✓ در کتاب Fast Grammar رنگ‌ها اهمیت نکات را نشان می‌دهند و فقط برای زیبایی از آنها استفاده نشده!

✓ قسمت‌های رنگی برای مرور سریع شما متمایز شده‌اند...

Fast Grammar:

کلاس درس همراه



از همین مؤلف:

کتاب (EPT) Fast Vocab (واژگان جامع) (چاپ دوم)

به همراه:



بیش از ۸۰۰ جمله با ترجمه فارسی

بیش از ۱۵۰۰ کلمه مترادف

تلفظ IPA لغات به همراه آموزش

دسته‌بندی موضوعی لغات

مترادف‌ها و متضادهای لغات

کلمات هم‌خانواده

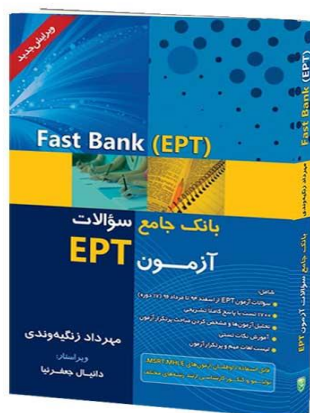
حروف اضافه لغات اصلی

نکات تستی و نکات کاربردی

اولویت‌بندی لغات مهم‌تر

آزمون‌های طبقه‌بندی شده و آزمون‌های جامع با پاسخ تشریحی

از همین مؤلف:



کتاب Fast Bank (EPT) (بانک جامع سؤالات آزمون EPT) (ویرایش چهارم - آپدیت ماهیانه)

شامل:

- همه سؤالات ۲۶ دوره اخیر آزمون EPT (از اسفند ۹۴ تا مرداد ۹۷) با پاسخ کاملاً تشریحی (۲۷۰۰ تست) **در دو جلد**
- تحلیل آزمون‌ها و مشخص کردن مباحث پرتکرار آزمون
- آموزش نکات تستی
- لیست لغات مهم و پرتکرار آزمون

برای تهیه این کتاب‌ها و دریافت نمونه سؤالات آزمون‌ها و ویدئوهای آموزشی می‌توانید به وبگاه اینترنتی ما به نشانی (www.FastZaban.com) مراجعه کنید.

خرید پستی مجموعه کتاب‌های **فست** با تخفیف ویژه و ارسال رایگان به سراسر کشور از:

وبسایت www.FastZaban.com

خرید حضوری در نمایندگی‌های انتشارات جنگل و کتابفروشی‌های معتبر در سراسر کشور

✓ کانال تلگرامی آموزش و مشاوره رایگان استاد **مهرداد زنگیه‌وندی**:

t.me/FastZaban